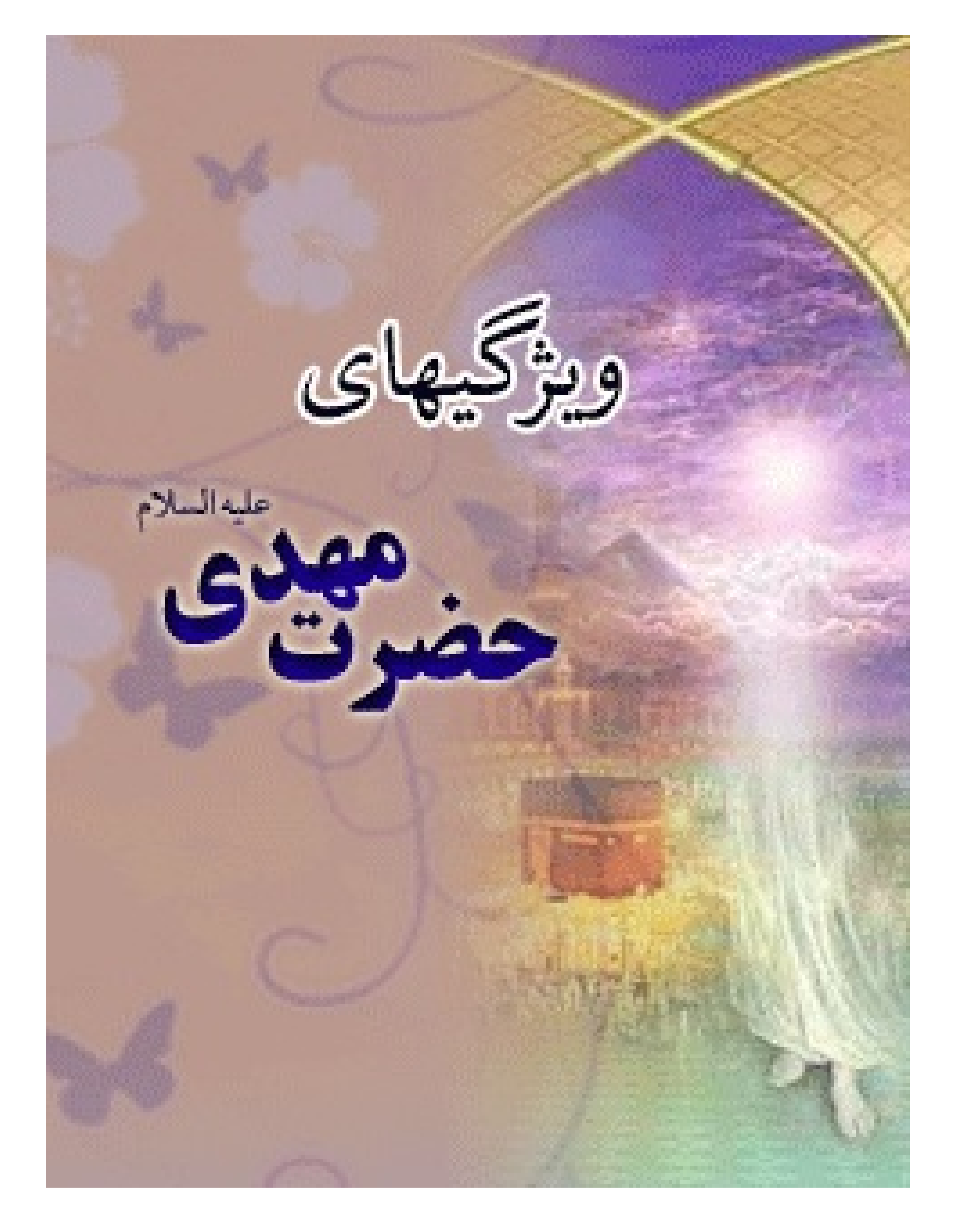


ویژگیهای
علیه السلام
حضرت مهدی


بسم الله الرحمن الرحيم

ویژگیهای حضرت امام مهدی (عجل الله تعالی فرجه الشریف) (چکیده "الخصائص المهدیه" آیت الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی)

نویسنده:

شریف سائلی

ناشر چاپی:

عطرعترت

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

ویژگیهای حضرت امام مهدی علیه السلام (چکیده "الخصائص المهدیه " آیه الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی)

مشخصات کتاب

عنوان: ویژگی های حضرت مهدی علیه السلام : نگاهی گذرا به کتاب "الخصائص المهدیه " آیه الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی رحمه الله

نام پدیدآور: شریف سائلی

مشخصات نشر: عطر عترت ، ۱۴۲۳ق . = ۱۳۸۱

مشخصات ظاهری: ص ۱۰۰

شابک: ۹۶۴-۷۹۴۱-۰۱-۳ ۴۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۷۹۴۱-۰۱-۳ ۴۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۷۹۴۱-۰۱-۳ ۴۰۰۰ریال ؛ ۹۶۴-۷۹۴۱-۰۱-۳ ۴۰۰۰ریال

وضعیت فهرست نویسی: فهرست نویسی قبلی

یادداشت: چاپ دوم : ۱۳۸۲؛ ۴۰۰۰ ریال

یادداشت: کتابنامه به صورت زیرنویس

عنوان دیگر: الخصائص المهدیه . شرح

عنوان دیگر: نگاهی گذرا به کتاب "الخصائص المهدیه " آیه الله میرزا محمدباقر فقیه ایمانی رحمه الله

موضوع: فقیه ایمانی ، محمدباقر، ۱۳۲۹ - ۱۲۷۹. الخصائص المهدیه - نقد و تفسیر

موضوع: شعر عربی - ایران - قرن ۱۴

موضوع: شعر مذهبی عربی - ایران - قرن ۱۴

موضوع: (م ح م د)بن حسن (عج)، امام دوازدهم ، ۲۵۵ق . - احادیث

موضوع: اربعینات - قرن ۱۴ - شعر

شناسه افزوده: فقیه ایمانی ، محمدباقر، ۱۳۲۹ - ۱۲۷۹. الخصائص المهدیه . شرح

رده بندی کنگره: PJA۵۲۹۹ /ف۷ خ ۶۰۸۵ ۱۳۸۱

رده بندی دیویی: ۸۹۲/۷۱۶ ف ۷۹۴خ /ش س

شماره کتابشناسی ملی: م ۸۲-۴۴۱۲

پیش سخن:

از پشت پنجره این نوشتار، شمیم انتظار و عطر یاد وارث ذوالفقار بر مشام جان می رسد. در سایه بلندای واژه های در هم پیچیده اش گفتگوی غریبی سفر کرده است. آن آرزوی روزگاران و صبح امید چشم انتظاران. صدای آبشار سرد و گوارای معانیش، تداعی نوای غربت غیبت دارد.

آری این جا سخن از ویژگی های یار در محبس و یادی از گُل نرجس است.

آن چه در پیش روی دارید، شعاعی از چشمه بی انتهای خورشید و پرتوی تابناک از «نور السموات و الأرض» است.

در گذشته ای نه چندان دور، عاشقی پر سوخته از آتش هجران و بلبلی در وصف یار، نغمه خوان بر فراز شاخسار روایات اهل بیت علیهم السلام به گلچینی از شکوفه های ویژگی های حضرت بقیه الله عجّل الله تعالی فرجه پرداخته و از طبع روان خویش قصری

از اشعار ساخته که هر قطعه از این ساختمان شعررا یک خصیصه و ویژگی از عزیز زهرا علیهما السلام تشکیل می دهد.

آری، حضرت آیت الله شیخ محمّد باقر فقیه ایمانی رحمه الله را کتابی است به نام «الخصائص المهدیه» که در آسمان صفحات آن چهل ستاره از

*****

[صفحه ۸]

درخشنده ترین کواکب ویژگی های آن حضرت را به ترتیب از قبل از میلاد مبارک آن سرور تا گسترش نور در زمان حضور و ظهور، از گلزار سخنان پیشوایان معصوم علیهم السلام گلچین و به ریسمان نظم کشیده.

و اینک این کتاب شرحی کوتاه و گویا است بر آن ابیات و نظری است مختصر بر این روایات. امید است گامی باشد در راه معرفی بیشتر آن نور الهی و پرنده بلند پرواز همایی و پیشوای منتظران روزگار رهایی انشاء الله.

اگر از روزنه دقت به آیات قرآنی و روایات نورانی آل رسول علیهم السلام بنگریم، خواهیم یافت که هرکدام از این خاندان طاهرین را ویژگی ها و خصوصیاتی است که یا منحصر بفرد بوده یا بسیار نظیر آن در دیگران کم و اندک است.

مثلاً- از ویژگی های حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله آن است که حضرتش ختم همه انبیاءند و بعد از ایشان پیامبر نخواهد آمد.

و از خصوصیات حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام آن است که لقب «امیرالمؤمنین» مختص به آن ذات مقدس است و گفتن این لقب برای هیچ کس دیگر جایز نیست.

و از ویژگی های حضرت فاطمه زهرا سلام الله علیها این که آن حضرت از تمام آلودگی هایی که زنان دچار آن هستند پاک و مطهّر بودند و...

و از خصائص حضرت سید الشهدا علیه السلام

این که خوردن کمی از خاک قبر مطهرشان به قصد شفا جایز است و تربت مقدسش شفای از دردها است، و دعا در زیر قبّه مبارکه او مستجاب است و رفت و آمد و توقف زائرین نزد قبر مطهّر او از عمر آنان حساب نمی شود.

البته بعضی از این ویژگی ها در وجود مقدس آنان حالت انحصار به

*****

[صفحه ۹]

فرد دارد، ولی بعض دیگر بخاطر این بوده که شرایط زمانه و مکانِ آن معصوم علیه السلام چنین اقتضاء می کرده که این خصلت ها از آن بزرگوار به مرحله بروز و ظهور برسد، وگرنه همه آن پاکان، نور واحدند و منبع خیر و برکات و کمالات.

و آن چه در این نوشتار بر صفحات کاغذ ترسیم می شود، تنها نمونه ای مجمل از ویژگی های حضرت مهدی آل محمّد علیهم السلام است که برای عموم مؤمنین خصوصاً جوانان نگاشته شده، و به بحث های آن از روزنه دقت و ژرف نگری و تحقیق عمیق، نظر نشده، و انشاء الله اگر فیوضات ربّانی یاری فرماید و به امضای مبارک آن حضرت برسد، بر آنیم تا در آینده کتابی مفصّل در جوانب ویژگی های آن عزیز زهرا به رشته تحریر در آوریم، تا برای اهل دانش و فضل نیز محل استفاده و بهره برداری بیشتر باشد انشاء الله الرحمان.

و اما این کتاب در چهل مقاله مجزّا به بعضی از ویژگی های امام عصر علیه السلام از دریچه روایات پیشوایان دین علیهم السلام نگاهی گذرا و کوتاه دارد. تا شاید علاماتی را بر سر راه خوانندگان عزیز قرار دهد، تا به آن علامت ها به سوی کوی ولایتِ آن حجّت

بزرگ الهی بیشتر رهنمون شوند، چرا که از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله چنین روایت شده:

«مَنْ ماتَ وَ لَمْ یعْرِفْ اِمامَ زَمانِه ماتَ میتَةَ الْجاهِلِیهِ.»(۱)

«هرکس بمیرد و امام زمان خود را نشناسد، به مرگ جاهلیت (و کفر) از دنیا رفته است.»

۱ بحار الانوار ج ۲۳ «باب وجوب معرفه الامام» ص ۸۹ حدیث ۳۵ و از کتب اهل سنّت: شرح مقاصد تفتازانی، ج ۵ ص ۲۳۹، «الفصل الرابع فی الإمامه» منشورات شریف رضی.

*****

و منظور از معرفت و شناخت امام زمان، تنها دانستن نام و نام پدر و حسب و نسب او نیست، زیرا بعضی از کفار و دشمنان او نیز به این مقدار او را می شناسند. بلکه این است که او را امام بداند و اطاعت او را بر خود واجب شمارد و به ولایت او اعتراف و اقرار داشته باشد.

و این نوشتار اگر چه در این باره نگاشته نشده، اما می تواند با فصل های متعددی که دارد فصل جدیدی از شناخت و معرفت آن حضرت و اوضاع و احوالِ اطراف او را بر روی خوانندگان باز نماید و سنگ نشانی است که ره گم نشود، و سکوی پرشی است برای آنان که می خواهند تا اوج قلّه های معرفت بالا رفته و در سایه امن ولایت و دژ محکم امامت بیاسایند.

شاها مرا به مدح تو لطف شد دلیل ورنه چگونه مور ز دریا گذر زند

ما را زبان به وصف تو قاصر بود ولی گنجشک، قدر همت خود بال و پر زند

سرزمین مقدس قم و در سایه بلند پایه کریمه اهل بیت شفیعه محشر حضرت فاطمه معصومه

بنت موسی بن جعفر

علیها السلام

سائل

-*****

[صفحه ۱۱]

لنوره فی عالم الأشباه و عالم الأنوار و الأرواح

ویژگی اوّل: ستاره درخشنده عالم نور

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«... وَ الْحُجَّهُ الْقـائِمُ کَـأَنَّهُ کَوْکَبٌ دُرِّی فی وَسَـطِهِم، فَقُلْتُ: یـا رَبِّ مَنْ هؤُلاـءِ؟ فقـال: هؤُلاءِ الْائمّهُ، وَ هـذَا الْقائِمُ یحِلُّ حَلالی وَ یحَرِّمُ حَرامی، وَ ینْتَقِمُ مِنْ اَعْدائی، یا مُحَمَّد! اَحْبِبْهُ فَاِنّی اُحِبُّه وَ اُحِبُّ مَنْ یحِبُّهُ.»(۱)

«... و حجت قائم در میانه آنان مانند ستاره درخشانی بود، گفتم: پروردگارا! اینان کیستند؟ فرمود: اینان ائمه (دین) اند، و این نیز قائم علیه السلام است، حلال مرا حلال داند و حرامم را حرام شمارد، واز دشمنانم انتقام گیرد. ای محمّد! دوستش بدار، که من او را دوست دارم و دوستدارانش را دوست دارم.»

شب معراج است و لیله الأسری، خلوت حبیب است و محبوب و گفتگوی حضرت محمّـد است با خـدای محمود، صحبت از سرّی است که باید در لیله اسرار بیان شود. خطاب از مصدر ذوالجلال رسید:

یامحمّد! چه کسی را جانشین خویش در امّت قرار دادی و خود به

۱ بحار الانوار ج ۳۶ ص ۲۲۳ حدیث ۲۱.

*****

[صفحه ۱۲]

وعده گاه وصل ما آمدی؟

: برادرم را.

: ای محمّد! علی بن ابیطالب را؟

: آری، پروردگار من.

گویا این مجلس مابین خالق یکتا و سید انبیاء، حاوی بزرگترین أسرار و عظیم ترین اخبار است.

آری صحبت از روشن شدن سرنوشت هدایت بشر تا قیامت است.

گفتگوی علی است در ملکوت أعلی...

و بـدین وسـیله خداونـد متعال برگزیـدگان خلق و ائمه هُـدی را یک یک به حبیب خویش معرفی می نمایـد و اهمیت و نقش آنان را چنین بر می شمرد:

«ای محمّد! اگر بنده ای از بندگانم آن قدر مرا عبادت نماید که از شدّت و

کثرت آن بمیرد، ولی در حالی به لقای من برسد که منکر ولایت آنان باشد، او را به آتش خویش داخل خواهم کرد.»

گویا مجلس، فراتر از گفتگو است. چرا که صحبت از شهود و دیدار است.

: ای محمّد! می خواهی ائمّه را ببینی؟

: آری.

: گامی پیش آی و نظر کن.(۱)

پس انوار ائمه هُدی علیهم السلام را مشاهده فرمود و یکایک آنان را

۱ در بعض روایات آمده: به سمت راست عرش نظر کن.

*****

[صفحه ۱۳]

بالعیان دید.

بهتر است آخر ماجرا را از زبان مبارک بیان شاهد شب أسری صلی الله علیه و آله بشنویم:

«حجت قائم را دیدم که در وسط آن بزرگواران مانند ستاره ای درخشنده است(۱). عرض کردم: پروردگارا! اینان کیستند؟

فرمود: اینان ائمّه اند و این نیز قائم است که حرام مرا حرام بدارد و حلالم را حلال شمارد و از دشمنانم انتقام کشد.

ای محمّد! او را دوست بدار که من او را دوست دارم و دوستداران او را دوست دارم.»(۲)

آری در عالم انوار نیز قائمش خوانده اند و او تنها کسی است که قیامش منتهی به گسترش عدل و داد در سراسر گیتی شود.

فقیه فقید، فقیه ایمانی رحمه الله گوید:

این که حضرتش در عالم انوار در وسط آن عترت اطهار بوده به مَثَل،

۱ در بعضی روایت آمده که در وسط آنان قیام نموده به نماز ایستاده و مانند ستاره ای می درخشید.

۲ در روایتی آمده که خداوند تبارک و تعالی انوار اهل بیت (علیهم السلام) را به حضرت آدم(علیه السلام) نشان داد، آخرین نور از آن انوار پاک که در میان آنها مانند ستاره صبح می درخشید، نور وجود مقدس حضرت بقیه الله

(علیه السلام) بود، آن گاه خداوند تبارک و تعالی فرمود:

«وبعبـدی هـذا السـعید افکّ عن عبادی الأغلال، وأوضع عنهم الاصار، وأملأ الأرض حناناً ورأفهً وعدلاً کما ملئت من قبله قسوهً وشقوهً وجوراً»

«توسط این بنده سـعادتمند غل ها و زنجیرها را از پای بندگانم باز می کنم، و بارهای سـنگین بدبختی را از دوش ایشان بر می دارم، و زمین را از مهر و محبت و لطف و عدالت پر می کنم، همان گونه که پیش از آن از سـنگدلی و شـقاوت وستم پر شده باشد.»

بحارالانوار: ج ۲۶ ص ۳۱۲.

*****-

[صفحه ۱۴]

ماننـد نقطه ای است در وسـط دایره که نقـاط دور آن، همه بـا او در ارتباط انـد، و شایـد این اشاره ای باشـد به این که آن نور الهی نمونه ای از آن انوار مطهّر، و عصـاره ای است از آن عترت اطهر، که تمـام صـفات نیکو و کمالات آن ذوات مقـدّسه در وجود مسـعود این عزیزِ آخرین رسول خدا صلی الله علیه و آله تجلّی کرده، و او آیینه تمام نمای سیمای پاک ائمه هُدی و یکتا حجت بالغه خداست.

خوشا دوستداران و پرسه زنان در باغ محبّتش که محبوب خدایند.

(یحِبُّهُمْ وَ یحِبُّونَهُ)(۱)

۱ سوره مائده: ۵۴.

*****

[صفحه ۱۵]

خصیصه اُخری له فی النّسب شرافه کانت بأُمّ وأب

ویژگی دوّم: ستاره ای از دل خورشید و ماه

ستاره ای از دل خورشید و ماه

نظر امیرالمؤمنین علی إلی الحسین(علیه السلام) فقال:

«اِنَّ ابْنی هذا سَیدٌ کَما سَمّاهُ رَسُول اللهِ (صلی الله علیه وآله) سَیداً، وَ سَیخرُجُ اللهُ مِنْ صُلْبِه رَجُلًا بِاِسْمِ نَبِیکَمْ، یشْبِهُهُ فِی الْخَلْقِ وَ الْخُلْقِ.»(۱)

حضرت امیر المؤمنین علیه السلام نظری به جناب امام حسین علیه السلام انداخته فرمودند:

«این پسرم سید (و آقاست) چنانچه رسول خدا صلی الله علیه

و آله او را سید (آقا) نامیدند و بزودی خداوند از نسل او مردی به نام پیامبرتان بیرون خواهد آورد که در خلقت و اخلاق شباهت به آن حضرت خواهد داشت.»

آخرین یادگار و نازنین نگار فاطمه سلام الله علیها را شرافتی در حسب و نسب هست که احدی دارای آن نیست.

چرا که لباس شرافتی که یکایک پدران و اجداد پاک او علیهم السلام در نسب، تک به تک دارند، او همه را یک جا بر تن دارد.

از جهت پدری سیزده معصوم مطهّر در سلسله آباء و اجداد اویند.

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۹ حدیث ۱۹، باب صفاته و علاماته و نسبه(علیه السلام).

*****

[صفحه ۱۶]

خود، معصوم و از نسل بلا واسطه سیزده معصوم است.

و از جهت مادر شاهزاده و پیغمبر زاده. چرا که مادر مطهّرش آن ملکه مُلک قدس و عزّت، بانوی عصمت و عفّت حضرت نرجس سلام الله علیها دختر یشوعای فرزند قیصر روم اند. و این بانوی مطهّر از جهت مادری از شمعون بن حمون بن الصفا وصی حضرت مسیح عیسی بن مریم علیهما السلام می باشند که نسب آن بزرگوار هم به بسیاری از انبیاء و اوصیاء منتهی می شود.(۱)

آری پدرانش همه خورشید و مادران همه ماه، نیست بالاتر از شرافتِ شاه.

و آن شجره طیبه را این گونه ثمره درخشانی باید و آن سرزمین مقدس پاک را این چنین گُلی.

(وَ الْبَلَدُ الطَیبُ یخْرُجُ نَباتُهُ بِإِذْنِ رَبِّه)(۲)

۱ منتهی الامال ج ۲ ص ۷۳۶، فصل دوّم در ذکر جمله ای از خصائص حضرت صاحب الزمان.

۲ سوره اعراف: ۵۸.

*****

[صفحه ۱۷]

تودیعه للروح إذ تولّدا و کونه إلی السماء مصعّداً

ویژگی سوّم: شاهزاده ای بر بال پرنده

شاهزاده ای بر بال پرنده

حضرت

امام حسن عسکری علیه السلام:

«احْمِلْهُ وَ احْفَظْهُ وَرُدَّهُ اِلَینا فی کُلِّ اَرْبَعینَ یوْماً.»(۱)

«او را سوار کن و محافظت نما و هر چهل روز یکبار به سوی ما بازگردان.»

شگفتا! چگونه مولودی است این ماه پاره، لحظه ای افتاده بر فرش خاک مناجات کنان، و ساعتی دیگر در عرش افلاک با قدسیان، دمی در دامان پدر با او در صحبت و راز و زمانی در پرده سرای عرش با معبود در راز و نیاز.

چون قنداقه مطهّرش را به دست پدر دادند، پرنده ای عظیم با دسته ای از پرندگان بالای سرش پرپر می زدند، امام عسکری علیه السلام او را صدا زدند و فرمودند:

«این طفل را بر پشت خویش سوار کن و حافظ او باش و هر چهل روز یکبار او را به ما برگردان.»

پرنده او را گرفت و پر کشید و به دنبالش گروه پرندگان به

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳ حدیث ۱۴.

*****

[صفحه ۱۸]

پرواز درآمدند.

امام علیه السلام فرمود: «تو را به کسی سپردم که مادر موسی فرزندش را به او سپرد.

پس بر بال ملائک می رفت و دل مادر را به دنبال خویش می کشید. دل به دنبال او می رفت و مادر از دنبال دل، اما پای جسم را یارای هم راهی پای دل نیست. به گریه افتاد.

صدای شیرین شویش بلند شد: «ساکت باش، او از پستان کسی جز تو شیر نخواهد خورد، و خداوند چنانچه موسی را به دامن مادر باز گرداند و چشم او را روشن کرد او را نیز به دامن تو برخواهد گرداند.»

عمّه پرسید: این پرنده کیست؟

فرمود: «او روح القدس است که موکّل بر امامان است آنان را موفق

می کند و تسدید می نماید و به علم پرورششان می دهد.»

پرنـده پرکشـید وتا سـراپرده عرش او را سـیر داد تا در پیشـگاه خداونـدگار عزّوجلّ ایسـتاد پس خطابی رسـید و او را به مدالی جاودانه مفتخر کرد:

«آفرین بر تو ای بنده من (و ذخیره) برای یاری دینم، آشـکار شدن امرم، و هدایت شده بندگانم! قسم خورده ام که بواسـطه تو بگیرم و اعطا کنم و به وسیله تو ببخشم و عذاب نمایم.»

پس فرمود: او را به نیکویی به سوی پـدر برگردانید و این پیغام را به او ابلاغ نمایید که او در ضـمانت و حفظ و حراست من و در زیر نظرم خواهد بود، تا حق را بوسیله او احقاق کنم، و باطل را نابود سازم تا این که دینِ خالص از برای من باشد...

*****

[صفحه ۱۹]

تسمیه الله له باللّقب فی کلّ ما أنزله من کتب

ویژگی چهارم: ألقاب مختصّه

القاب مختصّه

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«وَ آخِرُهُمْ الْقائِمُ بِالْحَقِّ بَقِیهُ اللهِ فِی الْاَرْضِ، صاحِبُ الزَّمانِ وَ خَلیفَهُ الرَّحْمانِ.»(۱)

«و آخرین آن ها، قیام کننده به حق، باقی مانده خداوند در زمین و صاحب الزمان و جانشین خدای رحمان است.»

حضـرت حجت بن الحسن علیه السـلام را القـاب متعـدد و بسـیاری است که بیش از چهارصـد تای آن از فراز شاخسار ادعیه و زیـارات برگرفته و جمع آوری شـده است.(۲) بعضـی از این لقب هـا القـابی است که خداونـد متعـال او را به این لقب، معرفی فرموده است، ماننـد لقب پـاک «قـائم» که از احـادیث معراج چنین اسـتفاده می شود که خداونـد آن حضـرت را به این لقب به جناب رسول الله صلی الله علیه و آله نشان داد.

حجه الله، منتظر، بقیه

الله، صاحب الأمر، مهدی، المنتقم، ربّ الارض، قسط،

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۵ حدیث ۱۲.

۲ مرحوم آیه الله فقیه ایمانی در کتاب «فوز اکبر» تعداد ۳۱۳ لقب از القاب آن حضرت را به رشته نظم در آورده است.

*****--

کمال، وارث، ضیاء، طرید، ماء معین، ثائر، الداعی، خلیفه الله، خاتم الائمه، خاتم الاوصیاء، کلمه الحق، عین الله، صاحب الغیبه، ولی الله، إلامام، المأمون، مفرّج، البد الأمین، الشرید، قاطع، خازن، عاقبه الدّار، کاشف الغطاء.

این ها از جمله القاب شریف آن حضرت است که هرکدام به خاطر اشاره به یک خصوصیت از خصوصیات روحی و فردی و زمانی و یا خصوصیتی از کارهای حضرتش در زمان غیبت و حضور، بر آن بزرگوار گفته شده است.

مثلا در خبر است که علت این که او را «قائم» نامیدند این است که: بعد از آن که یاد و ذکر او در میان مردم فراموش شد، و اکثر کسانی که قائل به امامت آن بزرگوار بودند مرتد شده و از دین خود بازگشتند، قیام می کند و زمین را پر از عدل و داد می نماید.

و «منتظر» نامیدند، زیرا آن قدر زمان غیبت او به طول می انجامد که مخلصان انتظار او را بی صبرانه می کشند، و اهل شک و تردید انکارش کنند، و منکران به استهزاء و مسخره اش دست می زنند، و عجله کنندگان ناراضی بر قضای الهی هلاک می شوند،(۱) و فقط آنان که تسلیم امر خدا و حجّت های بی همتای اویند، از این گرداب هلاکت نجات می یابند.

۱ «هلک المستعجلون»، روایات زیادی به هلاکت کسانی که در فرج عجله می کنند خبر

داده است، این عجله ممکن است به صورت نارضایتی از قضای الهی باشد، که چرا پس آن حضرت ظهور نکرد و...، و ممکن است این نارضایتی به اقدام عملی بیانجامد و با اعمال و رفتاری که از خود نشان می دهند، به خیال خودشان زمان فرج را به جلو بکشانند.

*****

[صفحه ۲۱]

فی غیبه قد نهیت تسمیته و هکذا قد رویت تکنیته

ویژگی پنجم: نشان پنهان

حضرت امام جواد علیه السلام:

«یغیبُ عَنْهُمْ شَخْصُهُ وَ یحْرُمُ عَلَیهِمْ تَسْمِیتُهُ.»(۱)

«شخص او از دید آنان پنهان می گردد، و بردن نام او بر آنان حرام می شود.»

نام اصلی امام زمان علیه السلام همان نام رسول گرامی صلی الله علیه و آله و کنیه او نیز مطابق کنیه آن حضرت است. اما اخبار و روایات زیادی آمده است که بردن نام اصلی آن حضرت در محافل و مجالس حرام است و حتی در بعضی از آن ها اشخاصی که از آن حضرت به این اسم در غیبت نام برند تعبیر به «کافر» و «ملعون» و امثال آن شده است،(۲) و فقط شهرت آن حضرت به این نام و نشان، مربوط به زمان ظهور آن نور الهی است.

اما این که چرا در زمان غیبت این نام حضرت برده شود علت آن چندان روشن نیست، و هریک از علماء دین در این باره توجیهی و وجهی به عنوان حکمت نقل کرده اند، اما آن چه مورد نظر است این که آن امام

۱ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۲۸۳ حدیث ۱۰.

۲ بحارالانوار ج ۵۱ ص ۳۱ باب النهی عن التسمیه.

*****

[صفحه ۲۲]

غائب، مظهر اسماء خفی و باطنی خداوند عزّوجلّ می باشند، و بسان خورشید در پس ابر، وجود مطهّرشان

از انظار خلق پنهان است، و حتی نام آن عزیز نیز باید مخفی بماند.

نمی دانم این غیبت چیست؟ خودشان مخفی اند! جا و مکانشان مخفی است! زمان ظهورشان مخفی است!

آیا خداوند متعال این خفاء را وسیله حفظ و حراست آخرین گوهر ذخیره خویش قرار داده؟ یا سرّ دیگری در این نشانِ پنهان است؟ این هم چیزی است که بر ما مخفی است، همه چیزشان مخفی است، پس بهتر آن است که ما نیز مُهر سکوت بر لب زنیم و فقط زیر لب چنین زمزمه کنیم:

«مُؤْمِنٌ بِسِرِّکُمْ وَ عَلانِیتِکُمْ وَ شاهِدِکُمْ وَ غائِبِکُمْ وَ اَوَّلِکُمْ وَ آخِرِکُمْ، وَ مُفَوِّضٌ فی ذلِکَ کُلِّه اِلَیکُمْ.»

«من به سرّ (پنهان) و علانیه (آشکار) شما، و شاهد (حاضر) و غائب شما و اوّلین و آخرین شما ایمان دارم، و در این باره همه چیز را به شما وا می گذارم.»

تا زمانی که هرگاه و هر مقدار که ایشان صلاح بدانند، ما را بر اسرار خویش محرم شمارند و نسبت به آن ها مطلع سازند. انشاء الله.

*****

[صفحه ۲۳]

کان سَمیاً و کَنیاً للنبی و إنّ ذا لغیره لقد نُهی

ویژگی ششم: هم نام و هم کنیه پیامبر (صلی الله علیه وآله)

هم نام و هم کُنیه پیامبر(۱)

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«اَلْمَهْدِی مِن وُلْدی، اِسْمُهُ اِسْمی و کُنْیَتُهُ کُنْیتی.»(۲)

«مهدی از فرزندان من نامش نام من و کنیه اش کنیه من است.»

او که ذخیره الهی برای تحقق بخشیدن به وعده های قرآن(۳) و آرمان رسول الله صلی الله علیه و آله است، چه زیباست که نام نامی او به اسم سامی آن حضرت باشد.

نه تنها احیاگر کتاب و سنّت اوست، بلکه نام او را نیز زنده خواهد

۱ در زبان فارسی فقط انسان را

یـک اسم هست و بس، امـا در زبـان عربی سه نوع نـام گـذاری دارنـد، یکی اسم و یکی لقب و دیگری کنیه، اما لقب عبارت است از تعابیری که حالت وضـعی دارد و اشاره به یک خصوصـیتی در فرد است، مثل لقب طاهر، که حاکی از پاکی اوست یا لقب امیرالمؤمنین و...

اما کنیه بر گرفته شـده از کلمه کنایه است، که به جای این که از خود شـخص نام ببرنـد، او را با انتساب به پدر یا مادر مثل ابن الحسن یا ابن فاطمه، یا انتساب به پسر یا دختر او، مثل ابوالحسن ابو فاطمه، امّ حسین یا امّ فاطمه صدا می کنند.

۲ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۲ حدیث ۱۶.

۳ماننـد آیه ۵۵ سـوره نـور: (وعـد الله الـذین آمنوا منکم و عملوا الصالحـات...)، و آیه ۹ سوره صف (هو الـذی أرسـل رسوله بالهدی و دین الحقّ لیظهره علی الدّین کلّه ولو کره المشـرکون) که این دو آیه شـریفه تفسـیر به زمان حضرت ولی عصر (علیه السلام) شده است.

*****

[صفحه ۲۴]

ساخت و بر سـینه جاودانه تاریـخ حک خواهـد کرد، و تنها او شایسـته است هم نام و هم کنیه پیامبر باشـد، و برای دیگران روا نیست که این دو را با هم بر خویش بگذارند.

اگر چه این لباس فقط بر قامت آن عزیز جلوه نمائی می کنـد که هم نام و هم کنیه آن رسول بزرگ الهی باشد، و تنها اوسـت که خیمه دین محمّـدی را بر فراز گیتی بر پای می کند، اما تمام اجداد طاهرین ایشان برای تحقق این آرمان مقدس، سـعی بلیغ و جهاد بی دریغ داشته اند و شاید به همین

مطلب اشاره فرمود حضرت... علیه السلام:

«اَوَّلُنا مُحَمَّدٌ وَ آخِرُنامَحَمَّدٌ وَ اَوْسَطُنا مُحَمَّدٌ وَ کُلُّنا مُحَمَّدٌ»(۱)

۱ بحار الانوار: ج ۲۵ ص ۳۶۳.

*****

[صفحه ۲۵]

إذ کلّ مولود متی تولّدا فیها یصیر مؤمناً موحّداً

ویژگی هفتم: میلادی پر برکت، مولودی سعادت بخش

میلادی پر برکت، مولودی سعادت بخش

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«اِنَّ اللَّیلَةَ الَّتی یولَدُ فیهَا الْقائِمُ عَلَیهِ السَّلامُ، لا یولَدْ فیها مَوْلُودٌ اِلّا کان مُؤمِناً، وَإن وُلِدَ فی أرْضِ الشِّرکِ نَقَلَهُ اللهُ إلَی الْإیمانِ بِبَرِکَهِ الْإمامِ.»(۱)

«هیچ مولودی در شب میلاد حضرت قائم علیه السلام به دنیا نمی آید، مگر آن که مؤمن خواهد بود، و اگر در سرزمین شرک نیز متولد شود خداوند او را به برکت امام علیه السلام به سوی ایمان خواهد کشاند.»

آن امام علیه السلام نور خداست، و نور با تاریکی سازگاری ندارد، در مکانی که نور باشد ظلمتی نیست و در آن زمان که نور پدید آید ظلمت و تاریکی محو می گردد.

همزمانی میلاد هر مولود با میلاد آن امام همام علیه السلام مُهر سعادتی است بر پیشانی آن کودک، چرا که نور خدای از شعاع خورشید امامت بر پیکره وجودش می درخشد و درخت ایمان را در سرزمین وجودش

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۸.

*****

[صفحه ۲۶]

می نشاند، و اگر در آن شب نوزادی در دیار ظلمانی شرک پدیدار شود، امواج درخشنده نور امام علیه السلام او را به سوی کشتی نجات، رهنمون خواهد ساخت، و این از جمله اوّلین آثار و برکات این وجود افلاکی در سرزمین خاکی است که ایشان

برکات بی شمار دارند و بی عدد.

«مَوالِی لا اُحصی ثَنائَکُمْ وَ لا اَبْلُغُ مِنَ الْمَدْحِ کُنْهَکُمْ.»(۱)

ازجمله شب هائی که خداوند نظر خاصّه خود را بر بندگان می

افکند، و از سفره احسان خویش، بهرمندشان می سازد، شب نیمه شعبان، هنگامه طلوع ستاره ای فروزان از مشرق دامان پاک حضرت نرجس علیها السلام است.

و آن شب، شب بسیار مبارکی است و حضرت امام باقر علیه السلام در باره آن فرمودند:

«آن شب بعد از شب قدر برترین شب هاست، خداوند در آن شب به بندگان خویش، فضل خود را عطا می نماید، و آنان را به منّ و کرم خویش می آمرزد، و شبی است که خداوند به ذات مقدس خود سوگند یاد فرموده که هیچ تقاضا کننده ای را دست خالی برنگرداند، مگر آن که معصیتی را از خدا سؤال کرده باشد، و شبی است که خداوند آن را برای ما قرار داده در مقابل شب قدر که آن را برای پیغمبر صلی الله علیه و آله قرار داده، پس کوشش کنید در دعا و ثنا برای خدای تعالی.»(۲)

۱ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۲ مفاتیح الجنان، اعمال شب نیمه شعبان.

بیت له مشرّف بالمجد و هی المسماه ببیت الحمد

ویژگی هشتم: بیت الحمد، چراغ فروزان

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«إنَّ لِصاحِبِ الْأَمْرِ بَیتاً یقالُ لَهُ بِیتُ الْحَمْدِ، فیهِ سِراجٌ یزْهَرُ مُنْذُ یوْم وُلِدَ اِلی یوْم یقُومُ بِالسَّیفِ لا یطْفی.»(۱)

«صاحب الامر علیه السلام را کاشانه ای است که بیت الحمدش گویند، از روز ولادت آن جناب در آن چراغی روشن و درخشان است و تا روزی که با شمشیر بپاخیزد خاموش نمی گردد.»

او ولی خدا و ولی امر الهی است، پس جایگاهی رفیع و خانه ای بلند مرتبه باید داشته باشد، آن هم خانه ای که به ستایش و حمد الهی نام گرفته و از همان خانه

هائی است که حضرت حق عزّوجلّ از آن ها به تقدیس و تمجید یاد فرموده:

(فی بُیوت اَذِنَ اللهُ اَنْ تُرْفَعَ و یذْکَرَ فیهَا اسْمُهُ، یسَبِّحُ لَهُ فیها بِالْغُدُوِّ وَ الْاصالِ، رِجالٌ لا تُلْهیهِمْ تِجارَهٌ وَ لا بَیْعٌ عَنْ ذِکْرِ اللهِ)(۲)

@«در خانه هائی که خداوند اذن فرموده که بلند مرتبه باشند و نام مقدسش در آن ها برده شود، مردانی هستند که صبحگاهان و

*****

۱ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۵۸ حدیث ۲۱.

۲ سوره نور: ۲۶ و ۲۷.

[صفحه ۲۸]

شامگاهان تسبیح او می گویند، و هیچ تجارت و خرید و فروشی آن ها را از ذکر خدا غافل نمی سازد.» و باید در این خانه نوری و چراغی درخشنده باشد، چرا که خانه نور خداست و نباید این نور هرگز خاموش گردد تا عالمیان بدانند که نور الهی خاموش نگردد، و حجت خداوند زایل نشود، و گذشت روزگاران متمادی از نورش نمی کاهد و دست دشمنان برای خاموش کردن آن کوتاه است.

(یریدُونَ لِیطْفِؤُا نُورَ اللهِ بِافْواهِهِم وَ اللهُ مُتِمُّ نُورِه وَ لَو کَرِهَ الْکافِرُونَ)(۱)

«آنان می خواهند نور خدا را با دهان خود خاموش سازند ولی خداوند نور خود را کامل می کند، هرچند کافران خوش نداشته باشند.»

*****

۱ سوره صف: ۸.

[صفحه ۲۹]

علامه فی ظهره معینه لمن یری ظاهره مبینه

ویژگی نهم: علامتی بر پشت!؟

علامتی بر پشت!؟

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«بِظَهْرِه شامَتان، شامَهٌ عَلی لَوْنِ جِلْدِه، وَ شامَهٌ عَلی شامَهِ النَّبی صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه.»(۱)

«بر پشت او (امـام زمـان علیه السـلام) دو علامت است، یکی از آن ها همرنگ پوسـتشان و دیگری ماننـد علامت (شانه) پیامبر صلی الله علیه و آله است.»

بر شانه مطهر نبوی صلی الله علیه و آله

علامتی بود که حکایت از ختم نبوت به وجود پاک آن رسول اعظم صلی الله علیه و آله می نمود، و آن حضرت به آن شناسائی می شد،(۲) و بر پشت شانه آخرین یادگار او حضرت مهدی علیه السلام نیز چنین علامتی است که با آن شناخته می شود.

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۲۵ حدیث ۴.

۲ انبیاء گذشته یکی پس از دیگری، آمدن پیامبری را در آخر الزمان بشارت داده بودند که نبوت به او خاتمه می یابد و دین او ناسخ همه ادیان الهی است، و برای او علائمی برشمرده بودند تا مردم او را بشناسند و به او ایمان آورند، از جمله این علائم همین مهر بود که بر شانه مبارک ایشان نقش بسته بود. و در روایت است که: «یعرفونه کما یعرفون ابناءهم» آنها (با این اوصاف) او را می شناختند، همان طور که فرزندان خود را می شناختند.

*****

[صفحه ۳۰]

آری وقتی او آیینه تمام نمای رسول الله صلی الله علیه و آله است، و اسم و رسم او را با خود دارد، و سیمای محمّدی صلی الله علیه و آله در چهره منوّرش هویداست، در علامت نیز باید که شبیه آن سفیر الهی باشد، و شاید آن علامت؛ علامت ختم وصایت است.

*****

[صفحه ۳۱]

أنّ به تختم الأوصیاء و هذه مرتبه عُلیآء

ویژگی دهم: آخرین اوصیاء و ختم وصایت

آخرینِ اوصیاء و ختم وصایت

حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه:

«...اَنَا خاتَمُ الْاَوْصِیاءِ وَبی یدْفَعُ اللهُ الْبَلاءَ عَنْ اَهْلی وَشیعَتی.»(۱)

«من پایان دهنده اوصیایم و به واسطه من خداوند از اهل و شیعیانم بلا را می گرداند.»

او آرمان همه انبیاء و اوصیاست، و کامل کننده اهداف مقدس ایشان است، او

رکن شدیدی است که حضرت لوط علی نبینا و آله و علیه السلام وقتی از ستم قوم خویش به تنگ آمد آرزویش نمود:

(لَو اَنَّ لی بِکُمْ قُوَّهٌ اَوْ آوْی اِلی رُکْن شَدید)(۲)

او امید داود و وعده نوشته شده زبور است:

(وَ لَقَدْ کَتَبْنا فِی الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّکْرِ، اِنَّ الْاَرْضَ یرِثُها عِبادِی الصّالِحُونَ)(۳)

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰ حدیث ۲۵.

۲ سوره هود: ۸۰. یعنی: ای کاش در برابر شما قدرتی داشتم یا تکیه گاه و پشتیبان محکمی، (آن گاه می دانستم با شما زشت سیرتان دد منش چه کنم) که این پشتیبان محکم در روایات تفسیر به وجود امام عصر (علیه السلام) شده است.

۳ سوره انبیاء: ۱۰۵.

*****

«در زبور بعد از ذکر نوشتیم که بندگان شایسته ام وارث (حکومت) زمین خواهند شد.»(۱)

و تحقق بخش اهداف بلند سفیران الهی است، عصاره علوم اوّلین و آخرین و شاه میوه درخت پاک هداست است.

چنانچه شاهراه نبوت و رسالت به کوی جدّ اطهرش رسول الله صلی الله علیه و آله پایان یافت، و مدال (خاتم النبیین)(۲) بر سینه اش آویخته شد، قافله وصایت نیز بر آستان مقدس حضرت ولی عصر علیه السلام رحل اقامت خواهد افکند، وصایت همه اوصیاء به او ختم و کامل خواهد شد.

«آن چه خوبان همه دارند تو تنها داری.»

و خیمه دین مبین اسلام به دست او بر سر تمام ادیان و مذاهب سایه گستر خواهد شد که این وعده الهی است:

(هُو الَّذی اَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَ دینِ الْحَقِّ لِیظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّه وَ لَوْ کَرِهَ الْمُشْرِکُونَ)(۳)

«او کسی است که رسول خویش را به هدایت و دین حق فرستاد تا بر همه ادیان

غالب سازد هرچند مشرکان کراهت داشته باشند.»

آری او ختم اوصیاست و چه نیکو ختامی است؛

(خِتامُهُ مِسْک وَ فی ذلِکَ فَلیَتَنافَس الْمُتَنافِسُون)(۴)

۱ او وعده حضرت موسی (علیه السلام) به صابران بنی اسرائیل است: (و قال مُوسی لِقَومِه اِسْتَعینُوا باللهِ وَ اصْبِرُوا، إنَّ الأرْضَ للهِ یورِثُها مَن یشاء مِن عِبادِه و الْعاقِبَهُ لِلمُتَّقینَ)

۲ سوره احزاب: ۴۰.

۳ سوره توبه: ۳۳.

۴ سوره مطفّفین: ۲۶.

*****

[صفحه ۳۳]

فرقته عن صحبه الفجار و اُنسه مع کمّل الأخیار

ویژگی یازدهم: همدم با نیکویان کامل

حضرت امام رضا علیه السلام:

«سَیونِسُ اللهُ به (خِضْر) وَحْشَهَ قائِمِنا (علیه السلام) فی غِیبَتِه وَ یصِلُ بِه وَحْدَتَهُ.»(۱)

«بزودی خداوند حضرت خضر را مونس وحشت قائم ما علیه السلام قرار خواهد داد و تنهائی او را بر طرف خواهد کرد.»

در طول تاریخ همیشه اهل کفر و باطل به پیکار اهل ایمان و حقّ پرداخته اند، و شیاطین در مسیر هدایت، سنگ انداخته اند.

بعد از رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله خلفای کفر و الحاد یکی پس از دیگری در مقابل ائمّه هُدی علیهم السلام قرار گرفتند، و هریک به نحوی این اولیاء الهی را به شهادت رسانیدند.

نوبت به اولیاء که رسید آسمان طپید زان ضربتی که بر سر شیر خدا زدند

آن در که جبرئیل امین بود خادمش اهل ستم به پهلوی خیر النساء زدند

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۲ حدیث ۳.

*****

[صفحه ۳۴]

پس آتشی ز اخگر الماس ریزه ها افروختند و بر جگر مجتبی زدند

پس آن سرادقی که ملک نیست محرمش کندند از مدینه و در کربلا زدند

و همین گونه یک یک ائمه دین را بعد از اذیت بسیار، به زهر یا سمّ به شهادت رساندند.

امّا از آن جا که

مشیت الهی بر آن تعلّق گرفت که حجت بالغه الهی به دور از دولت فاسقین و ظالمین گذران عمر شریف نماید، و یکه و تنها ساکن صحراها و بیابان ها و نقاط اقصی باشد، و یا در شهرها به دور از دسترس مردم تردد نماید و از انظار خلق غایب و مستور باشد، خداوند، مردمان کامل و برترین نیکویان خلق خود را به خلوتگاه انس او خواهد فرستاد تا هم دم و هم راه و مونس تنهائی او باشند و از آن جمله است حضرت خضر نبی علی نبینا و آله و علیه السلام.

در بعضی از روایات چنین آمده که سی نفر از نیک سیرتان و خوبان کامل، اُنس تنهائی یگانه باقیمانده حضرت زهرایند سلام الله علیها(۱).

(فَطُوبی لَهُمْ وَ حُسْنُ مَآب)(۲)

خوشا پروانگان گرد رویت خوشا پرپر زنان دور کویت

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۳ و ۱۵۷ حدیث ۲۰.

۲ یعنی: پاکیزه ترین زندگی دارند و بهترین فرجام ها. سوره رعد: ۲۹.

*****

أن بیعه للفاجرین الفسقه من أحد فلم تذلّ عنقه

ویژگی دوازدهم: در قلمرو فرمان هیچ کس نیست

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام:

«اِنَّ اللهَ عَزَّوَجَلَّ یخْفی وِلادَتَهُ وَ یغیبُ شَخْصَهُ لِئَلّا یکُونَ لِاَحَد فی عُنُقِه بَیعَهٌ اِذا خَرَجَ.»(۱)

«خداوند عزّوجلّ میلادش را مخفی و وجود مقدسش را در پس پرده غیبت نگه داشت تا هنگام قیامش بیعت هیچکس در گردنش نباشد.»

هنگامی که مردم حضرت سید الشهدا علیه السلام را تنها گذاشتند و طاغیان و یاغیان و باغیان را بر سر خویش حاکم و مسلّط ساختند، و از اوج عزّت به پرتگاه ذلّت افتاده، تن به خواری و خفت دادند و به جای آل الله علیهم السلام دست انتخاب به سوی شیاطین

دراز کردند(۲)، و دست پاک

۱ الإمام المهدی ص ۸۹، و بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۲ حدیث ۱.

۲ شکی در این نیست که بیعت با پیغمبر و امام، لازم و شرط ایمان است، و در حقیقت بیعت با خداوند می باشد (الّذین یبایعونک انّما یبایعون الله).

اما بیعت با غیر معصوم: اگر به طور خاص از طرف امام معصوم نصب شده و به فرمان امام باشد، بیعت با او واجب است، چون بیعت با او، بیعت با امام است، و گر نه بیعت با او جایز نیست، خواه دعوت او به سوی خودش باشد، خواه به عنوان نیابت و وکالت از امام.

جهت اطلاع بیشتر به کتاب مکیال المکارم باب ۸ فصل ۳۴ و یا ترجمه آن مراجعه شود.

*****

معصوم علیه السلام را کنار زده و دست آلوده غیر معصوم را به بیعت فشردند، درخت کفر و نفاق بالا گرفت و از جمله ثمرات شوم آن، خانه نشین شدن ائمه هُدی علیهم السلام گردید، و آن بزرگواران مجبور شدند به خاطر حفظ دین خدا و حراست و نگه داری خون خود و شیعیانشان به طور تقیه در تحت فرمان حکومت جائران زندگی نمایند، و تحت بیعت و فرمان روائی آن ها باشند(۱)، ولی چون قلم تقدیر پروردگار چنین نگاشته بود که آخرین حجت الهی، دست انتقام حق تعالی باشد و حکم خداوندی را بر تمام گیتی سیطره دهد و نه تنها تحت فرمان هیچ دولتی نباشد، بلکه همه را تحت فرمان کشد، از این جهت ولادت و دوران زندگی آن حضرت از منظر چشم مردمان مخفی شد تا بیعت هیچ پادشاه و حکومتی را در

گردن نداشته باشد، و چون قیام نماید حکم احدی بر او روا نباشد، بلکه در آن روز تنها حکم و ملک از آن خداوند قادر قهار خواهد بود؛

(لِمَنِ الْمُلْکُ الْیوْمَ، للهِ الْواحِدِ الْقَهّارِ)(۲)

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۳۲ حدیث ۱.

۲ یعنی: حکومت امروز برای کیست؟ برای خداوند یکتای قهار است. سوره غافر: ۱۶.

*****

[صفحه ۳۷]

فی سنّه اذا یبین فینا بین الثلاثین و اربعین

ویژگی سیزدهم: جوانی بعد از سال های طولانی!

حضرت امام حسن مجتبی علیه السلام:

«لَوْ قامَ الْمَهْدِی لَاَنکَرَهُ النّاسُ، لِاَنَّهُ یرْجِعُ اِلَیهِم شابّاً وَ هُمْ یحْسَبُونَهُ شَیخاً کَبیراً.»(۱)

«چون حضرت مهدی علیه السلام قیام نماید، مردم او را انکار کنند، زیرا او را پیری بزرگ سال می پندارند، ولی او به صورت جوان به سوی آن ها بر می گردد.»

از ویژگی های گل نرجس علیها السلام این که مرور ایام و گذران شب ها بر جسم مطهّرش اثر نمی گذارد، او امام «عصر» و «زمان» است پیش از زمان و پیشوای زمان است، و بر زمین و زمان احاطه کامل و تسلط شامل دارد. برتر از زمان و فراتر از مکان است، بلکه به وجود آن حضرت، آسمان و زمین و گردش ایام و لیالی، استوار و برقرار است.

«بِوُجُودِه ثُبِتَتِ الْاَرْضُ وَ السَّماءُ.»(۲)

آسمان و زمین و لیل و نهار به ولایش چنین گرفته قرار

۱ منتخب الاثر، ص ۲۵۸.

۲ به یمن وجودش زمین و آسمان استوار مانده است.

*****

[صفحه ۳۸]

پس اگر اراده آن جناب که همان مشیت پاک الهی است بر آن تعلق گیرد که گـذران زمان در وجود مسعود او اثر نگـذارد، باید که زمانه، اسلحه خویش را زمین بگذارد و سر تسلیم بر آستان حضرتش فرود آرد که

اطاعت امام علیه السلام بر همه چیز و همه کس به وجوب تکوینی و تشریعی واجب است.

و بـدین جهت آن عزیز بـا عمری طولانی اما سیمای جوان و نورانی و در چهره ای چهل ساله یا کمتر ظاهر خواهنـد شـد، و به همین خاطر بسیاری از مردم، حضرتش را انکار می کنند، زیرا بعد از گذشتن زمانی طولانی او را پیری سالخورده می پندارند و در شمار جوانانش نمی انگارند، و این نیز بحر امتحانی است که جز مؤمنین توان عبور از آن را ندارند.(۱)

۱ «لو قد خرج القائم علیه السلام بعد أن أنکره کثیر من الناس، یرجع شاباً موفّقاً، فلا یثبت علیه إلّا کلّ مؤمن» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۱۹ حدیث ۲۰.

*****

[صفحه ۳۹]

سلطانه یحیط فی الأقطار و حکمه ینفذ فی الأمصار

ویژگی چهاردهم: سلطنت بر پهنای گیتی

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«اَلْمَهْدِی مِنْ وُلْدی، اَلَّذی یفْتَحُ اللهُ بِه مَشارِقَ الْاَرْضِ و مَغارِبَها.»(۱)

«مهدی از فرزندان من است، همان که خداوند به وسیله او مشرق ها و مغرب های زمین را فتح خواهد کرد.»

چون دوران پادشاهی او فرا رسـد و همای سـلطنت مهدوی پر گشاید و بر فراز آسـمان عزّت به پرواز در آید، بال های رحمت او بر گوش تا گوشه عالم سایه خواهـد افکنـد، و گیتی به دست حق پرسـتش فتح خواهد شد(۲)، و عروس پریشان دین بعد از روزگاری دوباره بر محمل سامان خواهد نشـست، و دیو باطل و ظلم از این عالم رخت بر خواهد بسته به سـرزمین نیستی سـفر خواهد کرد(۳)، و دیگر زمین خداوند از وجود لاشخورهای گناه و معصیت پاک خواهد شد، و عدل و عدالت جایگزین آن

۱ الزام

الناصب، ص ۱۲۷.

۲ منتخب الأثر: ص ۴۷۰.

۳ روزگار رهائی: ج۱ ص ۵۰۰.

*****

[صفحه ۴۰]

می گردد.(۱)

در آن هنگام خداوندگار عالمیان بدون خوف و ترس پرستش می شود و «يكُونُ الدّينُ للهِ»(۲) و فقط شريعت خاص از خداوند خواهد بود و این وعده حقّی است که قابل تکذیب نخواهد بود.

(ذلِكَ وَعْدٌ غَيرُ مَكْذُوب»(۳)

«اَلسَّلامُ عَلَيكَ يا وَعْدَ اللهِ الَّذى ضَمِنَهُ.)(۴)

۱ «اما تحبون أن يظهرالله عزوجل الحق والعدل فى البلاد ويحسن حال عامه الناس ويجمع الله الكلمه ويؤلّف بين القلوب المختلفه، ولا يعصى الله فى أرضه» بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۲۸ حدیث۲۰.

۲ یعنی: و دین مخصوص خداوند گردد. سوره بقره: ۱۹۳.

۳ یعنی: این وعده ای است که دروغ نخواهد بود. سوره هود: ۶۵.

۴ یعنی: سلام بر تو ای وعده خداوند که تحقق آن را ضمانت فرموده! مفاتیح الجنان، زیارت آل یاسین.

*****

[صفحه ۴۱]

بعلمه فی عهدی لیحکم من ربه فی کل امر یلهم

احکام حق عنده مبینه یقضی بدون شاهد و بینه

ویژگی پانزدهم: حکم داودی

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«اِذا قامَ قائِمُ الِ مُحَمَّد عَلَیهِمُ السَّلامُ حَکَمَ بَینَ النّاسِ بِحُکْمِ داوُدَ، فَلا یحْتاجُ اِلی بَینَه، فَیلْهِمُهُ اللهُ تَعالی، فَیحْکَمُ بِعِلْمِه.»(۱)

«آن گاه که قیام کننده آل محمّد علیهم السلام بپاخیزد، در میان مردم به حکم داود حکم نماید، و نیازی به شاهد و بینه ندارد، بلکه خداوندگار بلند مرتبه او را الهام می کند و او به علم خویش عمل خواهد کرد.»

آن زمان که حضرت داود علی نبینا وآله و علیه السلام به حکم (وَ آتَیناهُ الحِکْمَهَ وَ فَصْلَ الْخِطابِ)(۲) منصب حکمرانی و قضاوت را به دست گرفت، دو نفر که بر سر عده ای گوسفند کارشان به اختلاف کشیده بود،

در محضرش بیان ادّعا کردند و آن حضرت بدون این که از آن ها شاهدی طلب کند به صدور حکم الهی اقدام نمود. ولی در اندک زمانی متوجه شد که آمدن این دو نفر نزد او دستوری بوده از طرف خداوند متعال تا داود را امتحان

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۹ حدیث ۸۶.

۲ یعنی: دانش داوری عادلانه به او دادیم. سوره ص: ۲۰.

*****

نمایند و نمی بایست داود بدون خواستن شاهد و بینه حکم می نمود.(۱)

آری داود را گفتند که حکم بدون طلب شاهد مخصوص خلیفه دیگری است که وعده آمدنش در زبور، مزبور است(۲)، و فقط اوست که بدون بینه حکم خواهد فرمود.

اگر چه اجداد طاهرینش همگی سینه هاشان مخزن اسرار و علوم خداوندی بود و آگه از اسرار غیب و نهان بودند، اما امر الهی چنان صادر شده بود که در میان مردم به واسطه شاهد، بینه، سوگند و اموری که در قضاوت معتبر است حکم نمایند، اما از ویژگی های سلطان عصر علیه السلام در زمان ظهور، آن است که در میان مردم به علم معبودی و حکم داودی حکم خواهد نمود و از کسی طلب بینه و شاهد نخواهد کرد و نیازی به بینه ندارد.

آری او خود شاهد است و حاکم و به «عین الله الناظره» می بیند و به «حکم الله المرضی» حکم می کند و با «ید الله الباسطه» اجرای حکم می نماید، انشاء الله.

۱ تفسیر المیزان: ج ۱۷ ص ۲۰ سوره ص.

۲ سوره انبیاء: ۱۰۵.

*****

درع النبی بجسمه قد استوی آبائه قد لبسوه ما استوی

ویژگی شانزدهم: زرهی یادگار بر قامتی استوار

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«اِنَّ اَبی لَبِسَ

دِرْعَ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه وَ کانَتْ تَسْحَبُ عَلَی الأرْضِ، وَ اِنّی لَبِسْتُها فَکانَتْ وَ کانَتَ، وَ اِنَّها تَکُونُ مِنَ القائِمِ، کَما کانَت مِن رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه مُشَمَّرَةً.»(۱)

«پدرم زره رسول خدا صلی الله علیه و آله را پوشید، روی زمین کشیده می شد، و من پوشیدم، همان طور بود، و آن زره برای حضرت قائم زیبنده می باشد، همان طور که برای رسول الله صلی الله علیه و آله اندازه و زیبنده بود.»

اخبار و آثار اهل بیت علیهم السلام حاکی از آن است که قامتِ چون قیامت رسول اعظم اسلام صلی الله علیه و آله را دو زره مخصوص بود، یکی زرهی که بعد از آن بزرگوار، نشان امامت کبری و خلافت عظمای جانشینان آن حضرت می باشد و ویژگی اش آن است که فقط بر قامت امام هر زمان و خلیفه راستین پیامبر، راست و درست می آید، و دیگری چون بپوشد قامتش کوتاه باشد یا بلند، یک وجب از او بلندتر خواهد بود و نزد

۱ بحار الانوار، ج ۵۲ ص ۳۱۹ حدیث ۲۰.

*****

[صفحه ۴۴]

ائمه هُدی علیهم السلام امامی بعد از امام چرخیده تا به محضر مقدس امام عصر علیه السلام رسیده.(۱)

ولی زره دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله آن است که حتی بر قامت مبارک ائمه علیهم السلام نیز استوار نمی شد و مقداری از قامتشان بلندتر بود، و این زره بعد از رسول گرامی اسلام، مخصوص قامت سرو گل زیبای نرگس است، که چون بر قامت او آراسته شود بر او راست و درست و استوار آید و صحنه ای از قامت

سرو گونه آن پیک آخرین الهی و پیامبر بزرگ خدا بر پرده روزگار مصوّر خواهد شد و خاطرات گام های استوار و خرامان آن سرور بزرگ، زنده خواهد شد که این زاده رسول خدا صلی الله علیه و آله و محمّدی دیگر است. صلوات الله علیهم اجمعین.

۱ علامه مجلسی(رحمه الله)، عین الحیاه بحث امامت، تنویر ششم، بعضی از صفات و علامات امام.

*****

[صفحه ۴۵]

لأجله جمع من الأموات ترجع فی الأرض إلی الحیاه

ویژگی هفدهم: ملاقات زندگان و مردگان

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«فَیبْعَثُ اللهُ الْفِتْیهَ مِنْ کَهْفِهِمْ مَعَ کَلْبِهِمْ»(۱)

«پس خداوند آن جوانان را از پناهگاهشان هم راه با سگشان بر می انگیزد.»

بسیار زیباست! حیرت انگیز و خیره کننده! عجیب و شگفت آور! این صحنه ظهور را می گویم! ملاقات اوّلین با آخرین، زندگان با مردگان، احیا با اموات.

آری از عترت طاهره علیهم السلام چنین رسیده:

«در ماه جمادی الثانی و مقداری از رجب، بارانی بر سر مردم فرو می ریزد که چشم روزگار مانند آن را تماشا نکرده، آن گاه خدای قادر متعال گوشت و بدن اهل ایمان را از میان قبرهاشان به سانِ شاخه گلی می رویاند. بر می خیزند و خاک از موهای سرشان می افشانند.»(۲)

۱ بحارالانوار ج ۵۳ ص ۸۵.

۲ اعلام الوری ص ۴۳۲، بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷.

*****

[صفحه ۴۶]

آن جوانمردان هفتگانه کهف با آن سگ با وفاشان زنده می گردند و مردانی از گذشتگان از پشت کوفه به آن پیشوای حق

پرستان می پیوندند، که شمار آن ها بالغ بر ۲۷ نفر خواهد بود. پانزده تنشان از قوم حضرت موسایند؛ آنان که به حق گرویدند و به سوی او هدایت کردند و ۷ تن یاران غار؛ آن

جوان مردان آرمیده در کهف و حضرت یوشع بن نون، و آن نمونه ایمان و برگزیده مسلمان یعنی حضرت سلمان و آن محبوب حضرت باری جناب ابودجانه انصاری و آن ثابت قدم استوار؛ مرد راستی و داد حضرت مقداد و شمشیر خدای اقدس اقدر جناب انور مالک اشتر رضوان الله تعالی علیهم اجمعین.(۱)

و اینان یاران و هواداران و سرداران مُلک ملکوتی آن مقتدای حق پرستان و آرمان یکتا پرستان حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه خواهند بود.

جان بی مقدار ما فدای راهشان و سر و پیکرمان، خاکِ راهی که این عزیزان بر آن گام می نهند.

۱ «یخرج مع القائم(علیه السلام) من ظهر کوفه سبع و عشرون رجلاً خمسه عشر من قوم موسی (علیه السلام) الذین کانوا یهدون بالحق وبه یعدلون، و سبعه من أهل الکهف، و یوشع بن نون و سلمان و ابودجانه الانصاری و المقداد و مالک الاشتر فیکونون بین یدیه أنصاراً و حکّاماً.» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۹۱ ح ۹۵.

*****

[صفحه ۴۷]

فانّه من مکّه اذ یظهر لدیه کان حجر فیظهر

ویژگی هجدهم: زاد و توشه راهیان و آذوقه هم راهیان

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام:

«.... فَهُو زادُهُمْ حَتّی ینْزِلُوا النَّجَفَ مِنْ ظَهْرِ الْکُوفَهِ.»(۱)

«پس آن (سنگ) توشه آن هاست تا از پشت کوفه در نجف بار اندازند.»

حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام را سنگی بود که چون عصای خویش بر آن می کوبید برای هر یک از دوازده فرقه بنی اسرائیل، چشمه ای از آن جاری می گشت، هنگامی که از آن می نوشیدند سیر و سیراب می گشتند و تشنگی و گرسنگی از مرز کشور بدنشان خارج می شد.

و چون مواریث انبیاء و آثار اصفیاء به امام عصر

علیه السلام منتقل می شود و نزد آن حضرت موجود می باشد، سنگ و عصای حضرت موسی علی نبینا و آله و علیه السلام نزد حضرتش به یادگار مانده است.

چون در مکه قیام نماید و از آن جا به قصد کوفه حرکت فرماید، منادی حضرت، ندا خواهد داد:

«هیچ کس غذا و آب و نوشیدنی هم راه بر ندارد.»

۱ اعلام الوری ص ۴۳۰، بحار الانوار ج ۵۳ ص ۳۳۸.

*****

[صفحه ۴۸]

آن گاه آن حضرت آن سنگ را بار شتری کرده به هم راه می برند و در هر منزلی که فرود آیند آن چشمه ها از آن سنگ جاری شود، پس گرسنگان را سیر و تشنگان را سیراب نماید، و حیواناتشان نیز سیراب گردند. این سنگ حامل زاد و توشه راهیان راه و هم راهیان آن شاه خواهد بود.(۱)

(عَيناً يشْرَبُ بِها عِبادُ اللهِ يفَجِّرُونَها تَفْجيراً)(۲)

۱ امام باقر (علیه السلام) فرمود: «اذا قام بمكّه و اراد ان يتوجّه إلى الكوفه، نادى مناديه: الا لا يحملنّ احد طعاماً و لا شراباً، و يحمل معه حجر موسى بن عمران و هو وقر بعير، فلا ـ ينزل منزلاً ـ الاّ ـ انفجرت منه عيون، فمن كان جائعاً شبع و من كان ظامئاً روى، و رويت دوائبهم، فهو زادهم حتّى ينزلوا النجف من ظهر الكوفه.» بحار الانور ج ۵۳ ص ۳۳۵.

۲ یعنی: از چشمه ای جوشان که بندگان خاص خدا از آن می نوشند، و از هرجا بخواهند آن را جاری می سازند. سوره انسان: ۶.

*****

[صفحه ۴۹]

لکلّهم قد تنزل السيوف من ربّهم و إنها اُلوف

ویژگی نوزدهم: زینت شمشیرهای آسمانی

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«اِذا قامَ الْقائِمُ، نَزَلَتْ سُيوفُ الْقِتال، عَلى كُلِّ سَيف اِسْمُ الرَّجُلِ و

اِسْمُ اَبیهِ.»(۱)

«هنگامی که (حضرت) قائم علیه السلام قیام کند، شمشیرهای جنگی از آسمان نازل شود، بر هر شمشیری نام مرد و پدرش نگاشته شده.»

آنان مردان آسمانی اند که از اوج افلاک تا به روی خاک آمده اند تابه زمینیان بیاموزند آسمانی بودن را.

اینان خاک فرزند پاک ابو ترابند. افلاکیان خاک نشینند. در پیشگاه مقدس یوسف فاطمه علیهما السلام خاک می شوند و از هر چه غیر خداست پاک می شوند.

بر زمینند اما انس با آسمان دارند و مردان آسمانی را سلاح های آسمانی سزاوارتر است. بدین جهت شمشیرهای بزّنده از آسمان بر ایشان فرود می آید در حالی که زیبائی و زینت هر شمشیر نام صاحب آن شمشیر

۱ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۶. غیبه نعمانی ص ۲۴۴.

*****

و نام پدر اوست که بر روی آن نقش بسته و آن را تماشائی تر ساخته.

علاوه که این سلاح و زره ها و کلاه خودهای مخصوص، علامت یاران مهدی علیه السلام است و آن حضرت وقتی آن ها را بر قامتشان حمایل می کنند به آنان چنین می فرمایند:

«هرکس این سلاح ها را حمایل ندارد با او مجاهده نمایید و به کامش زهر تلخ مرگ بریزید.»(۱)

و باید که ریشه کفر و ظلم در عالم پست و سُفلی به وسیله سلاح های پاکیزه عالم أعلی برکنده شود. انشاء الله تعالی.

۱ امام صادق (علیه السلام) فرمود: «اذا قام القائم....فسیخرجون ألف درع و اثنی عشر ألف سیف و اثنی عشر ألف بیضه، لکلّ بیضه وجهان...فیلبهم ذلک، ثم یقول: من لم یکن علیه مثل ما علیکم فاقتلوه» بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۷۷.

ویژگی بیستم: رایت با مهابت رسول الله

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام:

«اِذا

ظَهَرَ الْقائِمُ عَلَیهِ السَّلامُ ظَهَرَ بِرایهِ رَسُولِ اللهِ صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَ آلِه.»(۱)

«هنگامیکه حضرت قائم علیه السلام ظاهر شود، با پرچم رسول الله صلی الله علیه وآله ظهور نماید.»

در اولین رویاروئی دولت اسلام با حکومت کفر و شرک یعنی روز بدر، حضرت جبرئیل امین علیه السلام پرچمی را که تار و پودش از برگ های بهشتی در هم آمیخته بود بر رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرود آورد و آن سرور، آن را گشودند.

بعد از فتح بدر آن را پیچیده به حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام دادند. حضرتش در جنگ بصره گشودند و همای فتح و ظفر بر سر آنان سایه افکند، سپس آن را پیچیده و نزد ائمه هُدی دست به دست تا به دست یگانه پرست بزرگترین پرچمدار فتح و پیروزی حضرت قائم آل محمّد علیه السلام رسید و چون بپاخیزد بازش نماید و به اهتزازش در آورد.

۱ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۵۱.

*****

[صفحه ۵۲]

از شگفتی های این رایت این که چون گشوده شود از یک ماه راه، ترس و هراس و رعب از چپ و راست و پیش رو و پشت سرش مانند آتش سوزنده و برق جهنده بر جان دشمنان می افتد، و آنان را از هرگونه تحرک و اقدام باز می دارد و اراده را از آنان سلب می کند و روی به هر که گذارد هلاکش را به دنبال دارد.(۱)

و به دنبال این رعب و وحشت دشمن، این نسیم فتح و پیروزی و ظفر است که پرچم به اهتزاز در آمده اش را به آن سو و این سو حرکت می دهد.

آری آن پرچمی که در اول

غربت اسلام گشوده گشت و عطر و شمیم فتح و ظفر را به ارمغان آورد، بعد از غربت دوباره اسلام یک بار دیگر باز شود و این بار دیگر پیچیده نخواهد شد و این یگانگی پرچم در ابتداء و انتهاء در بدو طلوع نور و پس از زمان ظهور، نشانه ای بزرگ برای اهل ایمان است که این حکومت، همان شجره طیبه ای است که ریشه آن با خون شهدای بدر آبیاری شد و اکنون شکوفا گشته و به ثمر رسیده است.

و این باغبان؛ یادگار همان پیشوای با فرّ و جاه اسلام حضرت رسول اکرم محمّد بن عبدالله صلی الله علیه و آله است.

سلام خدا و ملائکه و مردمان بر اولین و آخرین این خاندان.

۱ «رایه رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) نزل بها جبرئیل یوم بدر سیر به... نشرها رسول الله یوم بدر ثم لفّها و دفعها إلی علی (علیه السلام) فلم تزل عند علی (علیه السلام)... و هی عندنا هنا. لا ینشرها أحد حتّی یقوم القائم (علیه السلام)، فاذا قام نشرها... و یسیر الرعب قدّامها شهراً و وراءها شهراً و عن یمینها شهراً.»

بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۶۰.

*****

[صفحه ۵۳]

إن ربّه اختار له السّحابا یرکبه فیصعد السماء

ویژگی بیست ویکم: سفر بر پشت ابر!

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام:

«اَما اِنَّهُ سَیرْکَبُ السَحابَ.»(۱)

«او به زودی بر پشت ابر سوار شود»

همه چیز و همه کس باید دست در دست هم دهند، و در خدمت او در آیند، تا وعده الهی تحقق یابد.

ابرهای پر رعد و برق و سخت و صعب و سنگین در زیر پای سلطان عصر علیه السلام نرم و راهوار شوند به گونه ای که بر بساط ابرها

نشیند و در عالم سیر کند.

آری ابرهائی که از بلند پروازی، خود را تا سینه افق بالاـ کشیده اند و از سختی غرش رعد و تیزی برق جهنده و گیرنده خویش، دل ها را ذلیل و هراسان خویش می کنند، چون نوبت به آن عزیز مقتدر می رسد سر تسلیم به زیر پایش فرود آورند و مرکب رام و راهوارش گردند و به هرکجا که اراده فرماید سیرش دهند.

اگر چه برای ذوالقرنین نیز ابرها مسخر شدند، اما ابرهای لطیف و نرم

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ حدیث ۲۷.

*****

[صفحه ۵۴]

و آرام و بدون رعد و برق و اگر می خواست بر پشت ابرهای صعب و سخت و سنگین نشیند، برایش میسّر نمی شد، زیرا که آن ها فقط ذلیل زیر پای همای عزیز زهرایند و بس.(۱)

۱ امام صادق (علیه السلام): «ان الله خیر ذا القرنین السحابین الذلول و الصعب، فاختار الذلول و هو ما لیس منه برق و لا رعد و لو اختار الصعب لم یکن له ذلک، لأن الله اذخره للقائم (علیه السلام).»

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۱ حدیث ۲۸.

*****

[صفحه ۵۵]

عند ظهوره نداء یرفع فی الناس و الأذان کل یسمع

ویژگی بیست و دوّم: فریاد آسمانی

حضرت امام رضا علیه السلام:

«هُوَ الَّذی ینادی مُناد مِنَ السَّماءِ بِاِسْمِه، یسْمَعُهُ جَمیعُ اَهْلِ الْاَرْضِ بِالدُّعاءِ اِلَیهِ.»(۱)

«او کسی است که منادی از آسمان نام او را فریاد می کند، و به سوی او می خواند که همه اهل زمین می شنوند.»

چون راه طولانی غیبت به انتها برسد و روزگار نشستن پایان پذیرد و پرده های حجاب، دامن از چشم خلق بر چینند و هنگام ظهور و تجلی نور فرا رسد، از فراز

گنبد گردون و از میان آسـمان نیلگون صدای دلربای امین وحی و سید اهل آسمان ها حضرت جبرئیل علیه السلام در مشرق و مغرب عالم طنین انداز شود و عالمیان را بر سر سفره بیعت الهی صلا زند.(۲)

و نام بلند آن حجت الهی و خلیفه حضرت رسالت پناهی را با نام نامی پدر مطهرشان بر عالمیان گوشزد نماید، انشاء الله.(۳)

و این است دعوت او: ای منتظران بپا خیزید که آن ذخیره الهی قیام

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۲۲ حدیث ۲۹.

۲ بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۲۹۰ حدیث ۳۲.

۳ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۸.

*****

کرده، به سوی او آیید که اینک وقت قیام است و پایان انتظار.

ای دلسوختگان! زمان خونخواهی حسین علیه السلام فرا رسیده.(۱)

و ای اهل ایمان وعده الهی تحقق یافته.(۲)

و هر قومی به زبان خویش ندا را متوجه شود، تا حجت بر همه تمام گردد و هیچ کس را عذر و بهانه ای نباشد.

زیرا اوست که تمام ادیان را محو و نابود می کند، و دین خدا را بر همه عالم غالب می کند.(۳)

و این ندا را رمزی دیگر نیز می باشد، که علامت حتمی ظهور باشد، امام صادق علیه السلام فرمودند: «علامت را بشناس»(۴) تا به گمراهی نیفتی و در ضلالت قدم ننهی، دزدان راه و مدعیان دروغین نتوانند تو را به سوی خویش دعوت کنند، و این نشانی روشن برای حقیقت است.

و این نـدا؛ ندای فجر صادق است که در صبح صادق دمیده خواهد شد، و در آخر روز، شیطان آخرین تلاش خویش را برای گمراهی خلق می نماید، و مردم را به کفر و شرک می

خواند.(۵)

(اِنَّ الشَّیطانَ لِلْاِنْسانِ عَدُوٌّ مُبینٌ)(۶)

۱ «ثم یخرج المنتصر و یطلب بدم الحسین و دماء أصحابه.» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۴۵ حدیث ۲.

۲ (وَعَدَاللهُ الَّذینَ آمَنُوا مِنْکُمْ وَعَمِلُواالصّالِحات لَیسْتَخْلِفَنَّهُمْ فی الأرْضِ...) سوره نور آیه: ۵۵

۳ (هُوَ الّذی اَرسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدی وَدینِ الحَقِّ لِیظْهِرَهُ عَلَی الدّینِ کُلِّهِ...)سوره توبه، آیه: ۳۳.

۴ «اعرف العلامه.»

۵ «ثمّ ینادی ابلیس فی آخرالنهار من الأرض: ألا إنّ الحق مع عثمان وشیعته» ارشادمفید: باب ۴۰ ح۳.

۶ یعنی: بدرستی که شیطان دشمن آشکاری برای انسان است. سوره یوسف: ۵.

*****

[صفحه ۵۷]

أن یهلک الشّیطان فی المقاتله إنّ رسول الله کان قاتله

ویژگی بیست و سوم: ابلیس در کام مرگ

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«فَیلْحَقُهُ النَبِی(صلی الله علیه وآله) فَیطْعَنُهُ طَعْنَهً بَینَ کَتْفَیهِ، فَیکُونُ هَلاکُهُ وَ هَلاکُ جَمیعِ اَشْیاعِهِ.»(۱)

«پیامبر صلی الله علیه و آله به او می رسد و نیزه ای در میان دو کتف او می زند. در این هنگام او و همه یاران او هلاک می شوند.»

از آیات کتاب خدا و روایات ائمه هُدی چنین به دست می آید که ابلیس لعین قبل از بروز عصیان و کفرش و پیش از رانده شدن از درگاه الهی از عابدینِ زاهد و ناسکینِ متهجّد می نموده و در عبادت حضرت حق عزّوجلّ سعی بلیغ داشته و عبادات طاقت فرسا به جا آورده.

اما وقتی به موج دریای امتحان، محک خورد و به طوفان آزمایش، مبتلا شد نخوت و تکبرش مانند آتش زیر خاکستر، بروز کرد و کفر و عصیانش را بیرون ریخت و خرمن ایمانش به شرار تکبر بسوخت، و از درگاه حضرت قهّار برای همیشه روزگار، رانده گشت، و چون خوب می دانست که حکمت و عدالت حضرت ربّ،

چنین اقتضا می کند که عمل

۱ بحار الانوار: ج ۵۳ ص۴۳ حدیث ۱۲.

*****

[صفحه ۵۸]

هیچ عاملی را بی پاداش نگذارد، از درگاه ربوبی طلب نمود:

«اکنون که مرا از در گاه خویش راندی به جای آن همه عبادت که بجای آورده ام، مرا تا روز قیامت زنده نگه دار و از رویاروئی با هیولای مرگ معاف دار.»

تقاضایش به درگاه ربوبی پذیرفته شد، اما نه تا روز قیامت بلکه جواب چنین آمد:

(فَاِنَّکَ مِنَ الْمُنْظَرین اِلی یوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ)(۱)

«تو را تا روز وقت معلوم مهلت دادیم»

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام که قرین قرآن و ترجمان کتاب رحمانند، آن روزِ وقتِ معلوم را چنین تفسیر کرده اند که آن روز؛ روز قیام قائم آل محمّد علیهم السلام است. هنگامی که آن حضرت بر انگیخته شوند و در مسجد کوفه استقرار یابند ابلیس پیش آید و بر زانو در افتد و فریاد بر کشد: «واویلا از این روز»

پس آن عزیزِ مقتدر، جلوی پیشانیش را گرفته و گردنش را می زنند.(۲)

البته در برخی از روایات هم آمده که نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله که برای یاری فرزند دلبندشان به عالم دنیا بازگشته اند، ضربه ای سهمگین به میان دو شانه شیطان زنند که کشتی شکسته وجود او و پیروانش را در گرداب نیستی محو و نابود گرداند.(۳)

۱ سوره حجر: ۳۷ و ۳۸ و سوره ص: ۸۰ و ۸۱.

۲ «الوقت المعلوم یوم قیام القائم، فاذا بعثه الله فی المسجد الکوفه و جاء ابلیس حتّی یجثو علی رکبتیه فیقول: یا ویلاه من هذا الیوم فیأخذ بناصیته فیضرب عنقه، فذلک (یوم الوقت المعلوم)منتهی أجله» بحار الانوار ج

۵۲ ص ۳۷۶.

۳ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۴۳ حدیث ۱۲.

*****

[صفحه ۵۹]

آری عزیز رسول خدا صلی الله علیه و آله نور محض است و محض نور و شیطان، محض ظلمت است و ظلمت محض، و چون زمین به نور پروردگارش روشن گردد(۱) جای جولان برای ظلمت نیست. آن سرور، پاکی و طهارت مطلق است و مأمور به تطهیر و پاکسازی عالم، و اوست وعده ضمانت شده خداوندگار عالم که فرمود:

«روز معلوم روزی است که حکم کرده ام و حتمی نموده ام که در آن روز، زمین را از کفر و شرک و معاصی پاک سازم...»(۲)

۱ (اَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِ رَبِّها) سوره زمر: ۶۹.

۲ «الوقت المعلوم فانّه یوم قضیت و حتمت أن اطهر الارض ذلک الیوم من الکفر و الشرک و المعاصی.» بحار الانوار: ج ۵۲ ص ۳۴۸.

*****

[صفحه ۶۰]

*****

[صفحه ۶۱]

بیمنه الارض اذاً قد تزهر کنوزها لأجله لتظهر

ویژگی بیست وچهارم: پیدایش گنج های پنهان

حضرت امام موسی کاظم علیه السلام:

«وَ یظْهَرُ لَهُ کُنُوزُ الْاَرْضِ.»(۱)

«برای او گنج های زمین هویدا خواهد شد.»

خداوند متعال در عمق زمین و ژرفای این کره خاکی گنج هائی دارد که برای هیچ کس ظاهر و بارز نشده است، بله گوشه ای

از آن را خداونـد در دست قارون زمان حضـرت موسـی علی نبینا و آله و علیه السـلام قرار داد تا او را امتحان کنـد، گنـج های انبوهی که برق آن چشم اهل دنیا را خیره سازد، قرآن کریم می فرماید:

«آن قدر از گنج ها به او داده بودیم که حمل کلیدهایش برای گروهی از مردمان تنومند مشکل بود.»(۲)

و این فقط کلید گنج های قارون بود. اما همه زینت و ثروت و گنج های او به خاطر

طغیان و عصیان و سرکشی او به زیر زمین رفت.

اما تمام آن گنج های ظاهر نشده و این خزائن باز فرو رفته و همه

۱ بحار الانوار، ج ۵۱ ص ۶۴ و ۱۵۰.

۲ (و آتیناه من الکنوز ما إنّ مفاتحه لتنوا بالعصبه أولی القوّه) سوره قصص: ۷۶.

*****

[صفحه ۶۲]

معادن، در آن روز خجسته ظهور که زمین سفره دلش را برای آن امام کریم باز می کند، بیرون خواهد آمد و همه اموال دنیا نزد آن پادشاه بخشش و جود، جمع خواهد شد.

پس با ندای دلربای ملکوتی اش مردم را خطاب فرماید:

«بیایید این چیزهایی است که بخاطر آن قطع رحم ها کرده، و خون های محرّم را می ریختید، و مرتکب محرّمات الهی می شدید.»(۱)

پس آن قدر از آن اموال به آن ها عطا می فرماید که هیچ کس پیش از آن حضرت این قدر سفره بذل و بخشش و کرم نگشوده و عطایش این مقدار نبوده.

و چنان به تساوی تقسیم نماید که محتاجان بی نیاز گردند، و کسی به دیگری برتری مالی نداشته باشد.(۲)

۱ «و یجمع إلیه اموال الدنیا من بطن الأرض و ظهرها فیقول للناس: تعالوا إلی ما قطعتم فیه الأرحام..... فیعطی شیئاً لم یعطه احد کان قبله.» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۵۱ حدیث ۱۰۳.

۲ «فیتواسون ویقتسمون بالسویه فیستغنی الفقیر ولایعلو بعضهم بعضا.» بحارالانوار ج۵۲ ص۳۸۵، حدیث ۱۹۵.

*****

[صفحه ۶۳]

یصافح الجبریل بالمبایعه یخاطب الاملاک بالمعاینه

ویژگی بیست و پنجم: یاران ملکوتی و بیعت سید آسمانیان

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام:

«اَوَّلُ خَلْقِ اللهِ یبایعُهُ، جَبْرَئیلُ.»(۱)

«اوّلین آفریده خداوند که با او بیعت نماید جبرئیل است.»

بالاخره خواهد آمد! و چه زیبا و تماشایی است! روز ظهور را می گویم! آن گاه که دست دعای

مضطرّ حقیقی در صبحگاه آن به حلقه استجابت گره می خورد، سپس آمدنش را به همه جهانیان اعلام می دارد.

و این بار افلاکیان بر خاکیان پیشگام و پیشقدم می گردند، و سرور آسمان نشینان حضرت جبرئیل امین علیه السلام اوّلین کسی است که دست بیعت به دستان پیشوای حق پرستان می دهد و در صورت پرنده ای سفید به محضر آن حضرت شرفیاب شده، و با او عهد یاری و پیمان وفاداری می بندد.(۲)

و چنین خواهد بود که بسیاری از لشگریان و سربازان و ملتزمین رکاب

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۴۱ حدیث ۹۱.

۲ «جبرئیل علی المیزاب فی صوره طیر أبیض، فیکون اوّل خلق یبایعه.» بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۹ حدیث ۱۵۶.

*****

[صفحه ۶۴]

ظفر انتساب فرزند شاه ولایت از ملائکه الهی خواهند بود، و بدین وسیله خداوند متعال، جگر گوشه زهرا علیها السلام را به وسیله جمعی از ساکنان آسمان یاری می نماید.(۱)

در روز عاشورا گروه زیادی از همین عرش نشینان برای یاری غریب فاطمه حضرت مظلوم کربلا علیه السلام از عرش تا زمین فرود آمدند، اما وقتی رسیدند که کشتی نجات به دریای خون نشسته بود و دل های اهل بیت علیهم السلام شکسته بود، پس همان جا نزد قبر مطهر، گَرد آلود و پریشان مانده اند و بی صبرانه انتظار قیام قائم آل محمّد علیهم السلام را می کشند، تا به یاریش بشتابند، و دست انتقام بر آرند و گلوی قاتلین حضرت سید الشهداء را به قدرت بفشارند و دمار از روزگار نگون سارشان بدر آرند،(۲) انشاء الله.

۱ «یؤید بنصر الله و ینصر بملائکه الله. بحار الانوار ج ۵۲ ص

۳۷۹ حدیث ۱۸۷.

۲ بحارالانوار: ج ۱۰۱ ص ۱۰۳ حدیث۳، القطره ج ۱ ص ۴۸۸ حدیث ۸۶.

*****

فی کثره الآلاء و النعماء تظهر فی الأرض من السماء

ویژگی بیست و ششم: برکات زمین، قطرات آسمان

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«تُعْطِی السَّماءُ قَطْرِها وَ الشَّجَرُ ثَمَرِها وَ الْاَرْضُ نَباتِها.»(۱)

«(در آن روز) آسمان قطرات خویش را بذل نماید و درختان ثمرات خویش و زمین گیاهانش را.»

قرآن کریم همیشه مردمان را به میهمانی تقوی و پرهیز کاری دعوت فرموده و وعده های شیرین برای اهل آن مژده داده است:

(وَ لَوْ اَنَّ اَهْلَ الْقُری آمَنُوا وَ اتَّقَوْا لَفَتَحْنا عَلَیهِمْ بَرَکات مِنَ السَّماءِ وَ الْاَرْضِ)(۲)

«اگر اهل شهرها و بلاد ایمان آورده و تقوی را پیشه خود می ساختند درهای برکات خود را از آسمان و زمین بر آن ها می گشودیم.»

از زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و مخصوصاً بعد از آن حضرت، اکثر مردم جامه تقوی از تن بیرون کردند و از اطاعت امام متقین حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام و ائمه طاهرین علیهم السلام سرباز زدند، که حضرت امیر

۱ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۸۵.

۲ سوره اعراف: ۹۶.

*****

علیه السلام فرمودند:

«اگر مردم همه اطاعت مرا می نمودند، از بالا و پایین نعمت ها بر آنان فرو می ریخت.»

و دیگر اجتماع امت اسلام متفرق شد و برکات زمین و آسمان نیز به قوتی اندک مبدل گردید.

اما چون ایام سراسر نور و سرور ظهور جایگزین شب های ظلمت و غرور غیبت گردد، و آن سرور افتخار آفرین اهل ایمان از دیای ملتهب و طوفانی غیبت پای به ساحل امن ظهور گذارد، دامن خاک تمام برکات خویش را فرش قدوم پاکش نماید و آسمان درهای رحمت خویش

بگشاید، و خاک راهش را آب پاشی کند.

و چهره خاکی و غبار آلود زمین به باران رحمت شسته شود و به زینت گل ها و چمن ها و درختان و سبزه زاران آرایش گیرد و زمین خاکی به چیز دیگر تبدیل شود.(۱)

(یوْمَ تُبَدِّلُ الْاَرْضَ غَیرَ الْاَرضِ)(۲)

۱ امام صادق (علیه السلام): «یسوق الله برکات السماوات و الأرض، فتزل السماء قطرها، و یخرج الأرض بذرها و تأمن وحوشها و سباعها.» بحار الانوار ج ۵۱ ص ۱۴۶.

۲ سوره ابراهیم: ۴۸.

*****

[صفحه ۶۷]

فی عهده لیظهر الأمان فلا یخاف الجور و العداوان

ویژگی بیست و هفتم: دوران امن و امان

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«وَ آمَنَتْ بِهِ السُّبُلِ.»(۱)

«و راه ها به وسیله او امن شوند.»

چه زیبا بهاری است و خوش روزگاری که بشر به خواب شیرینی ندیده و کام روزگار هرگز چنین شیرینی نچشیده که فرش امانت و امنیت بر سراسر زمین گسترده شود، بطوری که تمام راه ها امن گردد، و دیو هولناک هراس و ترس گریزان شود و غبار ضرر از رخ هر چیز و هر کس برخیزد و حتی موش کیسته ای را به دندان نجود.(۲)

جانوران و حشرات در میان مردم تردد کنند و آسیبی نرسانند و زهرها و سموم گزندگان بر طرف گردد و زنگار کینه و نگرانی از صفحه دل های بندگان پاک شود. گرگ، چوپان امین گله گوسفندان شود و مرغان هوایی در پنجه عقاب آشیان امن بسازند، و بزرگ به کوچک ترحّم کند و

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۸ حدیث ۸۳، القطره ج ۱ ص ۴۶۳.

۲ «حتی تأمن الشاه من الذئب، و البقر من الغنم، و الانسان من الحیه حتّی لا تقرض الفاره جراباً.» بشاره الاسلام ص

۲۷۹، روزگار رهائی ص ۶۱۹.

*****

[صفحه ۶۸]

کوچک به بزرگ احترام گذارد.(۱)

به چنگ باز مرغان هوایی آشیان سازند به خیل گوسفندان گرگ، حافظ چون شبانان شد

که زنی ضعیف ما بین مشرق و مغرب رفت و آمد نماید و احتیاجی به مراقب نداشته باشد و کسی مزاحم او نشود،(۲) و غول بدی ها جای خویش به فرشته نیکویی بسپارد و خویش، رخت بربندد و برود، که خوب؛ خوب است، و خوب است که خوب بماند، و بد؛ بد است، و بد است که بد بماند.

(جاءَ الْحَقُّ وَ زَهَقَ الْباطِلُ اِنَّ الْباطِلَ کانَ زَهُوقا)(۳)

و چه زیبا گفته اند که:

ظهور زیباست، چون ظهور زیبائی هاست.

۱ «القی فی تلک الزمان الأمانه علی الأرض فلا یضرّ شیء شیئاً، و لا یخاف شیء من شیء، ثمّ تکون الهوام والمواشی بین الناس، فلا یؤذی بعضهم بعضاً، وأنزع حمه کلّ ذی حمه من الهوام وغیرها و اذهب سمّ کلّ ما یلدغ... و القی الرأفه و الرحمه بینهم، فیتواسون و یقتسمون بالسّویه فیستغنی الفقیر ولایعلو بعضهم بعضا ویرحم الکبیر الصغیر ویوقّر الصغیر الکبیر.»

بحار الانوارج ۵۲ ص۳۸۴ حدیث ۱۹۴.

۲ «حتّی یخرج العجوز الضعیفه من المشرق ترید المغرب فلا ینهاها أحد.»

بحارالانوار ج۵۲ ص ۳۴۵، بشاره الاسلام ص ۲۳۰.

۳ یعنی: حق آمد و باطل نابود شد یقینا باطل نابود شدنی است. سوره اسراء: ۸۱.

*****

[صفحه ۶۹]

وضع الید الطّیبه المبارکه برأسهم تبین منها البرکه

ویژگی بیست و هشتم: دست نازنین بر سر مؤمنین

حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام:

«وَ وَضَعَ یدَهُ عَلی رُؤُوسِ الْعِبادِ، فَلا یبْقی مُؤمِنٌ اِلّا صارَ قَلْبُهُ اَشَدَّ مِنْ زُبُرِ الْحَدیدِ...»(۱)

«و دست بر سر بندگان نهد، پس مؤمنی باقی نماند مگر آن که قلبش محکم تر از پاره آهن شود...»

این دست رسول الله صلی الله

علیه و آله است، دست امیرالمؤمنین علیه السـلام است، دست خداست، ید الله است و هرکجا که دست خدا باشد، حاصلی جز خیر و برکت و کمال ندارد.

هنگامی که آن دست حق پرست بر سر بندگان مؤمن خدا کشیده شود، درخت عقل در وجودشان به حدّ کمال رسد و پرنده روحشان بر فراز افق عدالت و اعتدال پر کشد و صـفحه قلبشان به آهن ایمان، اسـتحکام و صـلابت یابد، بلکه از پاره های آهن سخت تر و مستحکم تر گردد.(۲)

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۳۵ حدیث ۴.

۲ امام صادق: «ما کان یقول لوط (علیه السـلام) (لؤ أنّ لی بکم قوّه أو آوی إلی رکن شدید) إلاّ تمنیاً لقوّه القائم(علیه السـلام)، و لا ذکر إلاّ شـدّه أصـحابه، فإنّ الرّجل منهم یعطی قوّه اربعین رجلاً، وإنّ قلبه لأشـدّ من زبر الحدیـد، و لو مرّوا بالجبال الحدید لقطعوها، لا یکفّون سیوفهم حتی یرضی الله عزّوجلّ»

*****

[صفحه ۷۰]

و به برکت آن دست پر قدرت خدائی هر مؤمن توان چهل مرد در خویش بیابد.

*****

[صفحه ۷۱]

و إنّما العلم لکلٍّ لتّسع فکل مؤمن بحظّه نف

ویژگی بیست و نهم: گسترش و توسعه علم

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«عَلَیهِم سُیوفٌ مَکْتُوبٌ عَلَیها اَلفُ کَلِمَه، کُلُّ کَلِمَه مِفْتاحُ اَلْف کَلِمَه.»(۱)

«شمشـیرهایی هم راه دارنـد که بر هریک از آن هزار کلمه (از اسـرار علوم) نوشـته شده که هر کلمه ای کلید (رمز) هزار کلمه است.»

هر روز و هر ساعت، تکنیک و صـنعت بشـری روبه رشـد و فزونی است و هر ثانیه بر صـفحات بیشـمار کتاب علم، صـفحه ای افزوده می گردد. و دنیای دانش و صنعت، مست باده غرور که توانسته است به سرّی از اسرار شگفت نظام آفرینش دست

یابد.

و زمانی از دنیای بی هوشی و مستی غرور خویش بیرون می آید که خویشتن را در سرزمین قسط و عدل نهایی و در روزگار شیرین رهایی ببیند، و موسم ظهور را دریابد، آن گاه به چشم باز و بصیر خواهد دید که

۱ غیبت نعمانی ص ۳۱۵.

*****

[صفحه ۷۲]

آن چه را مست آن بوده فقط و فقط قطره ای است در برابر اقیانوس بیکران علوم و معارف.

(لَقَد کُنْتُ فی غَفْلَه مِن هذا فَکَشَفنا عَنْکَ غِطاؤَکَ فَبَصَرُکَ الْیَوْمُ حَدید)(۱)

آری چون آن مخزن سرّ الهی و جایگاه علوم بی منتهای ربّانی دست بر سینه و پشت بندگان بکشد، دیگر هیچ حکمی بر آنان سخت و مشکل نخواهد بود،(۲) و چون هر کدام از مردان حکومت او در اقطار عالم در مسئله ای درمانند، بر کف خویش می نگرند و وظیفه خویش را بر روی آن نوشته می یابند و به آن چه مأمورند عمل می نمایند.(۳)

بر هر یک از شمشیرهایی که حمایل دارند هزار کلمه از درهای علم نگاشته شده که هر کلمه کلید هزار در از کمالات علوم است و معارف.

چنان سفره دل هاشان از مائده حکمت الهی پر گردد که حتی زنی در خانه خویش بر طبق کتاب خدا و سنّت رسول الله صلی الله علیه و آله حکم نماید.(۴)

وقتی سپاهیانش در مسیر قسطنطنیه به خلیج و دریا برخورد کنند، بر

۱ یعنی: (به او خطاب شود) تو از این صحنه غافل بودی و ما پرده از چشم تو کنار زدیم و امروز چشمت کاملا تیز بین است. سوره ق: ۲۲.

۲ «یمسح الله بطونهم و ظهورهم فلا یشکل علیهم حکم.» بشاره الاسلام ص ۳۱۱

منتخب الاثر ۴۸۵.

۳ «إذا قام القائم بعث فی أقالیم الارض، فی کلّ اقلیم رجلًا، یقول: عهدک فی کفک، فإذا ورد علیک امر لا تفهمه، و لا تعرف القضاء فیه، فانظر إلی کفّک و اعمل بما فیها.»

غیبت نعمانی ۳۱۹، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۶۵.

۴ «تؤتون الحکمه فی زمانه حتّی إنّ المرأه لتقضی فی بیتها بکتاب الله تعالی و سنّت رسول الله (صلی الله علیه وآله).»

غیبت نعمانی ص ۲۳۹.

*****

[صفحه ۷۳]

پاهای خویش چیزی بنویسند و بر روی آب راه بروند که رومیان از تماشای این صحنه حیرت انگیز، انگشت تعجّب به دهان گرفته و گویند:

«اگر اینان که یاران و هم راهان اویند، این گونه اند، پس خود او چگونه خواهد بود».(۱)

چنان علم و دانش و آگاهی در میان مردم نشر یابد که دیگر هیچ کسی محتاج به سؤال از دیگری نباشد و این است تفسیر آیه شریفه:(۲)

(یغْنِ اللهُ کُلاًّ مِنْ سِعَتِه)(۳)

۱ «و یبعث جنداً إلی القسطنطنیه، فإذا ابلغوا الخلیج کتبوا علی أقدامهم شیئاً و مشوا علی الماء، فإذا نظر الیهم الروم یمشون علی الماء، قالوا: هولاء اصحابه یمشون علی الماء فکیف هو؟»

غیبت نعمانی ص ۳۱۹

۲ منتهی الآمال ج ۲ فصل دوم در جمله ای از خصایص حضرت صاحب الزمان، خصیصه ۲۴.

۳ یعنی: خداوند هر کدام را از فضل و کرم خود بی نیاز می کند. سوره نساء: ۱۳۰.

*****

[صفحه ۷۴]

*****

[صفحه ۷۵]

أن تظهر القوّه فی الآذان حتی یصیر البُعد کالعیان

ویژگی سی ام: قوّت گوش ها، قدرت چشمان

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«اِنَّ قائِمَنا اِذا قامَ مَدَّ اللهُ لِشیعَتِنا فی اَسْماعِهِم وَ اَبْصارِهِمْ.»(۱)

«هنگامی که قائم ما قیام نماید، خداوند در قوّت و قدرت چشم و گوش شیعیان ما می افزاید.»

این نیز از

جمله ارمغان های نسیم صبح پیروزی است. بادهای لطیف رحمت بر پرده های حجاب آویخته بر چشم و گوششان می خورد و آن پرده ها را از منظر دید و حیطه گوششان کنار می زند، بطوری که مؤمن از شرق عالم برادر مؤمن خویش را در غرب نظاره می کند، و او نیز از غرب، شرق را بالعیان می بیند.(۲)

قدرت سمعی و بصری آنان چنان امتداد یابد که از هر کجای عالم که باشند صدای مقتدای اهل ایمان را از همان جائی که هست بشنوند،(۳) و

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۶.

۲ «انّ المؤمن فی زمان القائم و هو بالمشرق لیری أخاه الّذی فی المغرب و کذا الّذی فی المغرب یری اخاه الّذی فی المشرق»بحار الانوار ج۵۲ ص ۳۹۱.

۳ «إنّ قائمنا إذا قام، مدّ الله لشیعتنا فی أسماعهم و أبصارهم، حتّی لا یکون بینهم و بین القائم برید یکلمهم فیسمعون، و ینظرون إلیه و هو فی مکانه.» منتخب الأثر ص ۴۸۳.

*****

[صفحه ۷۶]

تماشاگر چهره زیبا و ملکوتی اش باشند. و این امری نیست که باور نتوان کرد، چرا که نظائر آن در قرآن کریم آمده است:

جناب آصف بن برخیا وزیر حضرت سلیمان علی نبینا و آله و علیه السلام، تخت بلقیس را به چشم برهم زدنی از مسافتی بسیار طولانی در نزد آن حضرت حاضر کرد(۱)، که به نقل روایات زمین پهلو خالی نمود تا سرزمین سبا و به ملک حضرت سلیمان در کنار هم قرار گرفت، و تخت به چشم بر هم زدنی حاضر گردید(۲)، و هم چنین خداوند متعال به حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام ملکوت آسمان ها و زمین را

یکباره نشان داد، پس اگر سلیمان ملک وجود حضرت مهدی موعود علیه السلام با اصحاب خویش این گونه باشند، امری عجیب نیست.

۱ سوره نمل: ۴۰.

۲ تفسیر المیزان ج ۱۵ ص ۳۷۰ ذیل آیه ۴۰ سوره نمل.

*****

[صفحه ۷۷]

أصحابه أعمارهم لتُستَمر حتی یروا أبناء هم ألف نف

ویژگی سی و یکم: عمرهای طویل

حضرت امام محمّد باقر علیه السلام:

«یعَمَّرُ الرَّجُلُ فی مُلْکِه حَتّی یولَدُ لَهُ اَلْفُ ذَکَر.»(۱)

«به مردان ملک او عمرهای طولانی داده شود، تا این که مرد هزار پسر برایش متولد شود.»

بشر هماره می کوشیده و شربت تلخ رنج می نوشیده و لباس کاوش و جستجو بر تن می پوشیده تا شاید بتواند در معدن هستی گوهر بقاء را بیابد و ساعتی بر عمر خویش بیافزاید، و در پناه این ساعت دمی بیاساید.

اما هرگز به کلید این گنج طلائی دست نیافت، و پای فتح او به قله بلند این راز نرسید.

ولی عصر ظهور دوران تحقق آرمان های دیرین و شیرین بشری است، چیزهایی را که قرن ها به دنبالش شتابان دویده و بسا در طلب او کارش به وادی حسرت کشیده و نا امید در بستر مرگ آرمیده و نشانی از آن ندیده، اکنون در پیش پای خویش افتاده می بیند.

آری مردان شیعه در زیر پرچم حکومت پیشوایشان به قدری عمر

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰.

*****

[صفحه ۷۸]

کنند که از نسل خویش هزار مرد ببینند و از شاخه تماشای اولادشان میوه های لذّت بچینند، و هرچه قد آن ها رشد کند،

لباسها نیز با آن ها رشد می کند، و هرگز رنگ آلودگی و کثافت بر لبایشان ننشیند، و دائما پاکیزه و پاک باشد، و هرگاه اراده کنند لباسشان

به هر شکل و رنگی که بخواهند در آید.(۱)

خدایا کی شود که عمر گران غیبت سر آید، وآن محبوب دل ها از در درآید.

۱ القطره ج ۱ ص ۴۸۶ حدیث ۸۲.

*****

[صفحه ۷۹]

و الناس إذ طلعته یرونا بنوره عن نورها یغنونا

ویژگی سی و دوّم: آفتاب سایه نشین

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«اِسْتَغْنَی الْعِبادُ عَنْ ضَوءِ الشَّمسِ.»(۱)

«بندگان خدا دیگر از نور خورشید بی نیاز می گردند.»

منظومه شمسی را کره ای نوری و آتشین است که خورشیدش نامند. آن قدر شدّت نور آن زیاد است که چشم بشری را یارای رویارویی با شعاع درخشنده نورش نیست.

و این ستاره عظیم نقش حیاتی و عظیمی در حیات انسان و همه موجودات زنده دارد، بطوری که اگر روزی این چراغ زرد آسمان سبز خاموش گردد، فانوس عمر همه جانداران در کام گرداب نیستی خاموش می شود، و اثر به سزای این موجودِ عجیب الهی، در این دنیا بر کسی پوشیده نیست.

اما روزی که آن را روز ظهور گویند، این چراغ نیز خود سایه نشین آفتابی بزرگ خواهد شد.

آن گاه دیگر زمان ظلمتِ غیبت نیست، زمان ظهور نور است، دیگر

۱ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۳۰ حدیث ۵۲.

*****

[صفحه ۸۰]

ابرهای غیبت کنار کشیده و هنگام تجلّی روشنائی رسیده، هنگامه رقص نور است نه جولان ظلمت، چنان زمین به درخشندگی و تابش خیره کننده نور پروردگارش روشن شود(۱) که دیگر خورشید بسان شمعی است که در تاریکی ها بودی داشت و

وجودی.

و اکنون که صبح روشن و صادق دمیده، دیگر نیازی به سوسوی شمع خورشید نیست، و مردم که با نور آن حقیقت نور در راز و نیازند از نور خورشید، بی نیازند.

(اَشْرَقَتِ الْاَرْضُ بِنُورِ رَبِّها)(۲)

۱ «و

تشرق الارض بنور ربّها» بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۱ و ۱۴۶.

۲ سوره زمر: ۶۹.

*****

[صفحه ۸۱]

و إنّ روح الله لإئتمام بقائم یصف فی القیام

ویژگی سی و سوم: فرود عیسی برای پرواز

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«فَیَنْزِلُ رُوحُ اللهِ، عِیسَی بْنُ مَرْیَمَ(علیهما السلام) فَیُصَلّی خَلْفَهُ.»(۱)

«پس روح الله عیسی پسر مریم فرود آید و پشت سر آن حضرت نماز گذارد.»

حضرت عیسی بن مریم علی نبینا و آله و علیه السلام پیامبر عظیم الشأن و بزرگواری است که در قرآن به «کلمه الله» و «روح الله»(۲) توصیف شده است.

و از عجائب و معجزات آن مرد الهی این که خداوند او را از دامن پاک حضرت مریم عذراء بدون شوی، متولد ساخت(۳) و در گهواره به تکلّم در آورد و در کودکی حکم نبوّت به او عنایت فرمود(۴) و قدرت خیره کننده زنده کردن مردگان را به او عطا فرمود.(۵)

و چون ظالمان و طاغیان زمان آن حضرت اراده کردند وجود مقدّس مطهّر او را از زمین بردارند و به صلیب بیاویزند، خداوند اورا از دامن خاک به سوی افلاک سیر داد، ودر منازل آسمانی سکنایش داد(۶) وتاکنون حضرتش

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۷۱ حدیث ۱۲.

۲ سوره نساء: ۱۷۱

۳ سوره مریم:۲۰ و ۲۱.

۴ سوره مریم ۲۸ تا ۳۰.

۵ سوره آل عمران: ۴۹.

۶ سوره نساء: ۱۵۷ و ۱۵۸.

*****

[صفحه ۸۲]

زنده اند، و همنشین آسمانیان و ملکوتیان اند، و در صف منتظران قدوم مبارک حضرت بقیه الله الاعظم روحی و ارواحنا فداه چشم به راه دوخته.

پس زمانی که آن حجّت غائب از نظر هویدا شوند، و حکومت عدل و داد برپا نمایند، گل مریم از آسمان فرود آید و

در صف مأمومین، به گل زیبای نرجس علیهما السلام اقتدا نماید، واز جمله سرداران و حکّام زمان آن حضرت باشد و در کشتن دجّال لعین، آن سرور را یاری و یاری نماید. انشاءالله تعالی.(۱)

و او برهان ذخیره خداوند است بر حقانیت دین مبین اسلام و دلیلی متقن بر صدق دعوای ختم وصایتِ حضرت ولی عصرعلیه السلام.

چون مسیحیان ببینند که حضرت عیسی علی نبینا و آله و علیه السلام در رکاب آن حضرت است و آن بزرگوار را مقتدای خویش قرار داده، به پیامبر خویش تأسی کرده، به آن حضرت ایمان آورند.(۲)

ناگفته پیداست و بی شبهه هویداست، نماز خواندن پیامبری اولولعزم و صاحب کتاب و شریعت پشت سر امام عصر علیه السلام(۳) دلیل روشن و نشانه ای متقن است بر این که آن امام همام و آباء کرام او از تمام انبیاء الهی به جز جدّ اطهر شان حضرت سید انبیاء صلی الله علیه و آله افضل، برتر و بالاترند.

۱ پیامبر اکرم: «...و انّه یخرج معه عیسی بن مریم و یساعده عل قتل الدّجال بباب لُدّ، بأرض فلسطین، و إنّه یؤمّ هذه الامّه و عیسی یصلّی خلفه.» بحار الانوار ج ۵۱ ص ۹۳.

۲ القطره ج ۱ ص ۴۶۴ حدیث ۲۱. حضرت عیسی در هنگام پائین آمدن از آسمان، خود متدین به دین مبین اسلام است، و روشن است که ایمان به او، ایمان به اسلام است.

۳ در روایتی که شیعه و سنی نقل کرده اند آمده که: چون هنگام نماز واجب شود، حضرت مهدی (علیه السلام) رو به حضرت عیسی نموده فرمایند: پیش رو ای روح الله، یعنی امامت نماز را به عهده

گیر، و او جواب عرض می دارد: شما اهل بیتی هستید که هیچ کس بر شما مقدم نمی شود.

کراجکی،التفضیل: ص ۲۴، ینابیع الموده قندوزی حنفی، ص ۱۸۷.

*****

[صفحه ۸۳]

من السحاب الأبیض النداء و الناس یسمعونه علاء

ویژگی سی و چهارم: ابر سفید

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«یخْرُجُ الْمَهْدِی وَ عَلی رَأسِه غَمامَهٌ فیها مُناد ینادی: هذَا الْمَهْدِی خَلیفَهُ اللهِ، فَاتَّبِعُوهُ.»(۱)

«حضرت مهدی علیه السلام قیام می کند در حالی که بالای سرش ابری است که منادی از درون آن صدا می زند: این مهدی خلیفه خداست، از او پیروی نمایید.»

از آن جا که همه چیز و همه کس باید به درگاه این خاندان مطهّر، افتاده و به خشوع و خضوع در آیند، و در اطاعت ایشان سر بسپارند(۲)، و اراده حق بر این تعلق گرفته که باقی مانده(۳) این خاندان را به جهانیان بشناساند، تا همگی به او ایمان آورند، و عذر و بهانه ای باقی نماند.

خداوند متعال در هنگامه قیام ابر سفیدی را مأمور ساخته تا از بالای سر او سیر کند، و در همه جا سایه بر آفتاب وجودش بیا فکند، و از میان این

۱ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۸۱ حدیث ۱۶.

۲ «و خضع کلّ جبّار لفضلکم، و ذلّ کلّ شیء لکم.» مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۳ (بقیه الله خیر لکم ان کنتم مؤمنین)

*****

[صفحه ۸۴]

ابر ندائی برخیزد که شعاع صوتش مشرق و مغرب، عرش و فرش و جنّ و انس را فرا گیرد:

«این مهدی خلیفه و جانشین خداست، پیرویش نمایید، او مهدی آل محمّد علیهم السلام است که فرشِ داد بر تمام زمین

بگسترد و مائده عدالت او سفره زمین را مملوّ نماید.»(۱)

۱

«یخرج فی آخر الزمان علی رأسه غمامه من الشمس، تنادی بلسان فصیح یسمعه الثقلین و الخافقین: هو المهدی من آل محمّد یملأ الأرض عدلاً کما ملئت جوراً»

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۸ ح ۱۸۳.

*****

یطفی نار الفتنه المستنکره فی عهده بقتل اُسّ الکفره

و إنّه الدّجال اسّ الفتنه علیه الف بل الوف اللعن

ویژگی سی و پنجم: کشتن دجال، خاموشی آتش فتنه

حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله:

«اِنَّهُ لَمْ تَکُنْ فِتْنَهٌ فِی الْاَرْضِ مُنْذُ ذَرَأَ اللهُ ذُرِّیهَ ادَمَ أعْظَمْ مِنْ فِتْنَهِ الدَّجالِ.»(۱)

«از آن روزی که خداوندگار ذرّیه آدم را آفریده، فتنه ای بزرگتر از فتنه دجّال پیش نیامده است.»

از زمان زندگانی مقدّس رسول الله صلی الله علیه و آله، آن حضرت و پس از آن، ائمه هُدی علیهم السلام یکی پس از دیگری مردم را از وقوع فتنه ای بزرگ که دجّالش نامند می ترساندند، و از افتادن در این گرداب ترس آفرین بر حذر می داشتند.

امّا این دجّال کیست و چیست؟ و وقوع این فتنه در چه زمانی است؟ و شگردهای او در اجرای طرح این فتنه چگونه است؟ سؤالاتی است که در میان گلشن روایات پرچمداران هدایت علیهم السلام می توان نشانی از آن جویا شد، و جای تفصیل آن در فرا خور این نوشته مختصر نیست.

آن چه در دایره اندیشه اهمیت آن بیشتر جلوه می کند، آن است که این موجود خطرناک و فتنه بی باک، سعی بلیغ و تلاش بی دریغ خودرا در

۱ منتخب الاثر ص ۴۶۲.

*****

رواج بازار فحشاء، گناه، ظلم و جور مبذول می دارد، و در طوفانی کردن دریای فتنه، شرّ و آشوب همّت می گمارد، و آن

قدر این ماده سمّی، خطرناك و اثرش

گسترده و وسیع است که سطح دریای بشریت را آلوده و مسموم می نماید و هوا و فضای جامعه را به بوی گندش متعفّن و بد بو می گرداند و سبزه زار دین را به گورستانی خشک در زمستانی بسیار مرگبار مبدّل می سازد.

و اگر چه گفته اند با یک گل بهار نمی شود، اما این قاعده را مستثنائی است که چشم بشر را خیره می سازد. آری فقط گل نرجس است که با آمدنش بهاران می شود، و زمین خشکیده و مرده در سرمای فساد و معصیت، دوباره زنده می گردد، و بلبل های نغمه خوان دین دوباره در چمنزار و گل ها و بوستان و باغستان های دین به پرواز در می آیند و از نغمه های توحید و رسالت و ولایت، فضای گیتی را پر می سازند.

مدعی گوید که با یک گل نمی گردد بهار من گلی دارم که عالم را گلستان می کند

آری از ویژگی های وارث ذوالفقار آن است که با شمشیر آتشبار حیدر کرّار شربت ناگوار مرگ را به کام آن افعی خوش خط و خال یعنی دجال می چشاند، و زمین را از لوث جور و ظلم و عصیان پاک می سازد، و این است تفسیر آیه شریفه:

(اعْلَمُوا اَنَّ اللهَ یحْیی الْاَرْضَ بَعْدَ مَوْتِها)(۱)

«بدانید که خداوند متعال زمین را بعد از مردنش دوباره زنده می نماید.»

۱ سوره حدید: ۱۷.

*****

[صفحه ۸۷]

البطؤ للأفلاک فی المسیر بأمر ربّ الملک القدی

ویژگی سی و ششم: کم شدن سیر چرخ، افتادن افلاک از سرعت

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«وَ السَّنَهُ مِنْ سَنِیه تَکُونُ مِقْدارَ عَشْرَ سِنین مِنْ سِنِیکُمْ.»(۱)

«و سالی از سال های او برابر ده سال خواهد بود از سال های شما.»

دوران غیبت؛

دورانی است که هـوا دلگیر و ابری است و خورشـید هـدایت در پشت ابرهـا زنـدانی است، قناریـان دین دار و هَزاران شـریعت مـدار و چکاوکـان حق گفتـار و طوطیان بر شاخه دین اسـتوار، همگی از ناله و نوا افتاده انـد. غبار خمودی و گرفتگی بر چهره افلاک نشسته.

امّا در کنجِ دل همه، نوری از امید سوسو می کند و به این امید نغمه فرج را زمزمه می کنند. گویا چرخِ در گردش و خورشـید و ماه و افلاک، در سیر خود نیز دوست دارند در دعای فرج شریک باشند. اما چگونه!؟

اگر به گردش زمانه بنگری تلاش آن ها را در راه تحقق فرج،خواهی یافت. ثانیه ها با چه سـرعتی سـرسام آور جای خویش به دقیقه هـا می دهنـد و دقیقه هـا بـا سـرعت انتهـاری در کام ساعت ها محو می شونـد، و ساعت ها، امانتِ زمان را بی درنگ به دست روزها و شب ها می سپارند، و شب و

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۷.

*****

[صفحه ۸۸]

روز بدون دریغ و مکث، خود را به مرز ماه ها می رسانند، و ماه ها با سرعت بی اندازه خویش به سال ها تبدیل می شوند، و تا چشم روزگار باز شود، قرن ها از دوران غیبت را گذرانده اند و همه به شوق این که این دوران حسـرت بار طی شود در تکاپو و تلاشند.

امّا هنگامی که اوّلین خورشید صبح ظفر با لبخند طلائی اش بوسه بر سینه آسمان بزند، دیگر همه چیز از سرعت می افتد. آری دوران وصل رسیده و روزها دوست ندارند که از محضر یار، مرخص شوند.

لحظه ها و ماه ها و

سال ها تمنّای بیشتر در خدمتش بودن را دارند، از این جهت تمام تلاش خود به کار می گیرند تا به آرامی گام بردارند و از افق زندگی مقدس او و یارانش، آهسته و خرامان بگذرند، و با ناز و وقار حرکت کنند، شاید بتوانند اندکی بیشتر لذّت دیدار یار را درک نمایند.

آری آن زمان، چرخِ فلک از سرعتِ سیر می افتد و هر روزش به اندازه ده روز و هر ماهش به مقدار ده ماه و هر سال آن به مقدار ده سال غیبت به طول می انجامد.(۱)

وه! چه آرامشی است که زمین و آسمان و سیارگان را نیز فرا گرفته.

خدایا به سوخته دلان و منتظران فرجش سوگند، ما را نیز در زمره دعا گویان او و مشتاقان و خواستاران فرج حضرتش قرار بده و کام جان ما را از شیرینی و لذت مسرّت بخش آن ایام سراسر سعادت، محروم مفرما.آمین.

۱ «یأمر الله تعالی الفلک بالثّبوت و قلّه الحرکه، فتطول الأیام لذلک و السّنون.»

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۹ حدیث ۸۴.

*****

[صفحه ۸۹]

یظهر بالجدید من کتاب فانّما معناه بالصّواب

ویژگی سی و هفتم: دینی جدید و آئینی نو پیدا!

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«إذا قامَ الْقائِمُ(علیه السلام) جاءَ بِاَمْر جَدید کَما دَعا رَسُولُ اللهِ (صلی الله علیه وآله)فی بَدْوِ الْاِسْلامِ اِلی اَمْر جَدید.»(۱)

«وقتی که (حضرت) قائم علیه السلام قیام نماید، چیز جدیدی می آورد، چنانچه در بدو اسلام رسول خدا صلی الله علیه و آله مردم را به سوی امر جدیدی فرا می خواندند.»

چون بزرگترین خورشید فروزان نبوت در مغرب عالم فناء افول و در مشرق عالم بقاء، طلوع نمود، و از دامن خاک به سوی افلاک و باغ های قدس جنان پر

کشید، درگاه علم نبوی و مخزن اسرار و علوم محمّدی یعنی عالم الشهود و الأسرار حضرت صاحب ذوالفقار، حیدر کرار امیرالمؤمنین علیه الصلاه و السلام به جمع آوری آیات مبین قرآن و تنظیم آن همّت گماردند، و شأن نزول و تفسیر حقیقی قرآن را که از دو لب مبارک رسول الله صلی الله علیه و آله آموخته و یا از سینه پاک نبوی به ارث برده بودند، به مردمان عرضه فرمودند، ولی آن شقاوت پیشگان و خفاش صفتان چنین جوابی دادند:

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۸ حدیث ۸۲.

*****

[صفحه ۹۰]

ما را به قرآنی که تو داری نیازی نیست.

پس آن حضرت آن قرآن را از دسترس خلق برچیدند و دیگر کسی آن را ندید و دست به دست خاندان عصمت و امامان بزرگوار شیعه چرخیده و هم اکنون در محضر مقدّس وارث بزرگ دین محمّدی صلی الله علیه و آله می باشد.(۱)

و هم چنین بعد از شهادت حضرت نبی اکرم صلی الله علیه و آله حضرت جبرئیل امین علیه السلام مونس و هم نشین حضرت صدّیقه اطهر زهرای مرضیه علیها السلام بودند، و اخبار آینده را مو به مو به ساحت مقدسش عرضه می داشتند، و آن بانوی شهیده املاء می فرمود و دست حقّ پرست شوهر مطهّرشان، امیر عالم هستی، آن را می نگاشت. و کتابی بس عظیم شد که به «مصحف فاطمه» نام گرفت. و آن نیز در دست مطهّر امام عصر علیه السلام می باشد.

با این دو مقدمه اکنون به پای درد دلم بنشین تا برایت بگویم:

طولانی شدن دوران غیبت از یک سو و غفلت روز افزون مردم از امام و هادی

خویش، از سوی دیگر، و جولان شیاطین در تاختن اسب های نعل کرده بر سینه دین مبین از طرفی، و هزاران فتنه و آشوب و امتحان از طرف دیگر، دست به دست هم می دهند تا هر روزه سوراخی بر کف کشتی اسلام وارد شود، و تخته ای از اصول و احکامش به کام آب هوا و هوسِ هوسبازان سپرده شود.

۱ احتجاج: ج ۱ ص ۲۲۵، بحار الانوار ج ۹۲ ص ۴۲ حدیث۲.

*****

[صفحه ۹۱]

هر روزه بدعتی نو در دین گذارند و سنّت پیامبر را فدای مقاصد دنیوی خویش کنند.

حلال خدا را حرام، و حرام خدا را حلال نمایند، تا به جایی برسد که دیگر از قرآن جز خطی و ورقی نماند و از اسلام نیز جز یک اسم و نام. نامشان مسلمان است اما دورترین مردمند از اسلام، مساجدشان معمور است، اما اثری از هدایت در آن نیست، و ساختمان هدایت آن ویران است.(۱)

در این هنگامه است که صاحب مصحف فاطمی و املای علوی و آن ترجمان حقیقی قرآن، صفحه روزگار را ورق خواهد زد و آن را بر خواهد گرداند.(۲)

احکام و سنن الهی را از نو تجدید کند، به طوری که این گونه پندارند که یک مدّعی نبوّت با دینی جدید به پا خاسته و آیین نو پدیدی را پایه گذاری می کند، و حال آن که او قدمی از مسیر آباء طاهرین خویش تخطّی نمی کند(۳)، و آن چه ابلاغ می نماید، همان دین

۱ رسول الله: «سیأتی زمان علی امّتی لا یبقی من القرآن إلاّ رسمه و لا من الاسلام إلاّ اسمه، یسمعون به و هم أبعد الناس منه، مساجدهم عامره

و هی خراب من الهدی...»

ثواب الاعمال: ص ۲۵۳ حدیث ۴، بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۹۰ حدیث ۲۱.

۲ «إذا قام القائم(علیه السلام) قرأ کتاب الله عزوجل علی حدّه و أخرج المصحف الّذی کتبه علی(علیه السلام).»

کافی ج۲ ص۶۳۳، روزگار رهائی ص ۶۱۸.

«یعلّم القرآن علی ما انزل الله عزوجل فأصعب ما یکون علی من حفظه الیوم، لأنّه یخالف فیه التألیف»

بشاره الاسلام ص ۲۳۴، روزگار رهائی ص ۶۱۶

۳ «المهدی یقفوا أثری لا یخطی.» منتخب الاثر: ص ۴۹۱.

*****

[صفحه ۹۲]

احمدی و آیین علوی، و روش فاطمی(۱) صلوات الله علیهم اجمعین و مسیر سلف طاهرین خویش می باشد.(۲)

۱ حضرت مهدی (علیه السلام): «إن لی فی إبنه رسول الله اُسوه حسنه.»

دختر گرامی رسول خدا برای من الگوی نیکوئی است.

۲ «فیأتی محمّد و علی، فیکتبان له عهداً منشوراً یقرؤه علی الناس.»

بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۰۶ حدیث ۷۹.

*****

[صفحه ۹۳]

کان هو الرّجعه للأئمّه و إنّها افضل کلّ نعمه

ویژگی سی و هشتم: رجعت، روزگار بازگشت ائمّه علیهما السلام

حضرت امام جعفر صادق علیه السلام:

«اِنّ لِعَلِی (علیه السلام) فِی الْأَرْضِ کَرَّةً مَعَ الْحُسَین، اِبْنِه صلوات الله علیهما.»(۱)

«بدرستی که برای (امیرالمؤمنین) علی علیه السلام و فرزندشان حسین صلوات الله علیهما بازگشتی به این زمین خواهد بود.»

اگر چه در طول تاریخ، همیشه اهل باطل بر اهل حق چیره بوده اند، و فریاد حقّ و حق خواهی را در کام استکبار خویش خاموش کرده اند، و آن روزگار سیاهی که بر سر بشرّیت آورده اند، حقّ تلافی آن در دنیا ادا نمی شود.

امّا چنین نیست که همیشه دنیا هم به کام آنان بچرخد و روزگارانی خواهد رسید که بهترین خوبان عالم، دوباره به این عالم باز گردند و آن چنان که باید در دنیا

حکومت شود حکم فرما می شوند.

چرخ گردون گر دو روزی بر مرداد ما نگشت دائماً یکسان نماند حال دوران، غم مخور

آری ائمه ما در آن زمانه به این عالم باز خواهند گشت، و از آن

۱ بحار الانوار ج ۵۳ ص ۷۴ حدیث ۷۵.

*****

[صفحه ۹۴]

بزرگواران چنین روایت آمد:

«از ما نیست کسی که به بازگشت ما ایمان نداشته باشد.»(۱)

آن بزرگ راستگویان و مولای موحدان، امیرمؤمنان علی بن ابی طالب سلام الله علیهما به این عالم باز خواهند گشت، و برای وجود مطهّرش قبّه گاهی و بارگاهی مجلل در نجف بپا خواهد شد،(۲) و حسین شهیدش علیه السلام نیز باز خواهد آمد(۳)، و آن روز روزگاری دگر خواهد بود، و باید که از عمق جان زمزمه کبوتران منتظر را بر نهر زبان جاری کرد، و هم راه با جامعه «جامعه» خوانان چنین سرود.

«وَ جَعَلَنی مِمَّنْ یقْتَصُّ اثارَکُم... وَیحْشَرُ فی زُمْرَتِکُمْ، وَ یکِرُّ فی رَجْعَتِکُمْ، وَ یمَلَّکُ فی دَوْلَتِکُمْ.»(۴)

و چنین حکایت شده که صادق آل محمّد علیهم السلام، زیر لب های مبارک، این شعر را ترنّم می فرمود:

لکلّ اُناس دَولَهٌ یرقَبُونَها وَ دَولَتُنا فی آخرِ الدَّهر یظهر(۵)

۱ حضرت امام صادق(علیه السلام): «لیس منّا من لم یؤمن بکرّتنا» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۹۲ حدیث ۱۰۱.

۲ «ثم یخرج الصدیق الأکبر امیرالمؤمنین علی بن أبی طالب (علیه السلام) و ینصب له القبّه بالنجف.»

بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۶.

۳ «سئل عن الرجعه أحق هی؟ قال: نعم. فقیل له من أوّل من یخرج؟ قال: الحسین یخرج علی أثر القائم(علیهما السلام).» بحار الانوار ج ۵۳ ص ۱۰۳ حدیث ۱۳۰.

۴ مفاتیح الجنان، زیارت جامعه کبیره.

۵ یعنی: هر دسته از مردم

را دولتی است که انتظار آن را می کشند، و دولت ما (آل محمد علیهم السلام)در پایان روزگار ظاهر می شود. منتهی الآمال: ج ۲ فصل دوم، ذکر جمله ای از خصایص حضرت صاحب الزمان، خصیصه ۴۶.

*****

[صفحه ۹۵]

آیاته الکثیره المعینه ظاهره جلیه مبینه

ویژگی سی و نهم: نشانه های نور

قرآن کریم:

(سَنُریهِمْ ایاتِنا فِی الْافاقِ وَ فی اَنْفُسِهِمْ حَتّی یتَبَینَ لَهُم اَنَّهُ الْحَقُّ)(۱)

عن الصادق(علیه السلام): «خُرُوجُ الْقائِمِ هُوَ الْحَقُّ...»(۲)

«به زودی آیات و نشانه هایمان را در آفاق و در نفس هایشان به آنان نشان می دهیم، تا این که برای آنان روشن گردد که آن حقّ است»

حضرت امام صادق علیه السلام فرمودند: «منظور از حق در این آیه شریفه قیام حضرت قائم علیه السلام است.»

ابعاد وجودی حضرت بقیه الله الأعظم ارواحنا فداه دائما هدف پیکان های کهنه شبهات پوسیده و بی اساس بوده.

منکرین آن وجود مسعود، همیشه در صدد دست یافتن به دست آویزی سست و بی بنیاد بوده اند تا آتش کینه ای که در دل ناپاک خویش دارند، به وسیله آن خنک سازند، و با زیاد شدن منکرین حضرت، بر کثرت سپاه خویش بنازند.

۱ سوره فصلت: ۵۳.

۲ بحار الانوار ج ۵۱ ص ۶۲ حدیث ۶۳.

*****

[صفحه ۹۶]

امّا قران مجید دائماً با جملات رسا و زیبا و بیانات بلیغ و شیوا، کتاب مکر آنان را ورق ورق کرده و در زیر باران شدید آیات بینات خویش به دست سیل نابودی سپرده است.

آری؛ آن ها که پهنای دلشان، مرداب گندیده ای از عقاید انحرافی شده، گاهی با انکار امکان طول عمر انسان و گاه با شبهه

در طولانی شدن زمان غیبت، سعی در خاموش کردن نور الهی با دهان خویش دارند؛

(یریدُونَ

لِيطْفِؤُا نُورَ اللهِ بِافْواهِهِمْ)(۱)

غافل از آن که چراغ فروزان و بر افروخته شده از نور الهی خاموش شدنی نیست.

(وَ اللهُ مُتِمُّ نُورِه وَلَوْ كَرِهَ الْكافِرُونَ)(۲)

خداوند در زمان غیبت و پیش از ظهور آن بی کران نور، آن قدر نشانه و علامت در وجود خودِ مردم و آسمان و زمین به آنان نشان دهد که مانند روز روشن بر ایشان واضح و مبین شود که آن قیام بزرگ حق است و حقیقت دارد، و آن چه به گوش شنیده بودند و به زبان، انکار می کردند اکنون به چشم باز می بینند و دیگر هنگامه انکار به پایان رسیده.

علامات قیام حضرت ولی عصر علیه السلام بر دو گونه اند، علامات حتمی و غیر حتمی.(۳)

۱ و ۲ سوره صف: ۸.

۳ علامت حتمی؛ نشانه هائی است که در پی آن، ظهور واقع خواهد شد.

علائم غیرحتمی؛ نشانه های است که تحقق آنها برای ظهور الزامی نیست، ممکن است بدون این که آنها واقع شوند ظهور محقق شود، و یا آنکه واقع شوند ولی ظهور را در پی نداشته باشند.

گفتنی است که آنچه بداء ناپذیر است و حتمی است، اصل ظهور حضرت بقیه الله عجل الله تعالی فرجه می باشد، از امام صادق علیه السلام روایت شده که حتی در علائم حتمی هم ممکن است بداء شود، یعنی ممکن است فرج اتفاق بیفتد بدون آنکه این علائم واقع شود.

*****

علامات؛ آن نشانه هایی است که نزدیک یا مقارن ظهور حضرتش اتفاق می افتد، و با وقوع آنها، ظهور را در پی خواهد داشت، مانند ندای جبرئیل که مردم را برای بیعت با آن خلیفه خداوندی دعوت می نماید،

و در پیشگاه آن حضرت فریاد می زند:

«البیعه لله.»(۱)

«این بیعت از برای خداست.»

از دیگر علامات آن است که مردم چهره منور امیر دایره وجود، حضرت مولی الموحدین امیرالمؤمنین علیه السلام را بر سینه نیلگون آسمان مشاهده می کنند و صدایی می شنوند که ندا می کند:

«ای مردم این امیر مؤمنان است که به عالم دنیا بازگشته است.»

دیگر آن که خورشید رسم صبحگاهی خویش را برهم می زند و این بار از مغرب طلوع می کند.(۲)

یا این که بر خلاف عادت فلک، خورشید در نیمه ماه رمضان و ماه در آخر آن می گیرد.(۳)

و دیگر علاماتی که تفصیل و شرح آن ها در گنجایش این نوشتار نیست و چه کتاب های عریض و طویلی که در علامات ظهور به دست

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۲۹۰ حدیث ۳۰.

۲ ارشاد شیخ مفید(رحمه الله) ج ۲ باب ۴۰ حدیث ۳.

۳ ارشاد شیخ مفید(رحمه الله) ج ۲ باب ۴۰ حدیث ۱۰.

*****

[صفحه ۹۸]

علمای شیعه(۱) و یا مخالفین نوشته شده، و هزاران علامت در آن ها به ثبت رسیده است.

و بالاخره خداوند متعال با آیات بسیار، حجّت خویش را بر مردم با هر و ظاهر و به نصرت و یاری خویش او را بر جهانیان قاهر خواهد نمود.

(یسْتَنْبِؤُنَکَ اَحَقٌّ هُوَ قُلْ ای وَ رَبّی اِنَّهُ لَحَقٌّ)(۲)

۱ مانند کتاب «نوائب الدهور فی علائم الظهور» از مرحوم میرجهانی(رحمه الله).

۲ یعنی: از تو می پرسند آیا آن (وعده الهی) حق است، بگو: آری. به پروردگارم سوگند قطعا حق است. سوره یونس: ۵۳.

*****

[صفحه ۹۹]

و مدّه طالت من الأیام سلطنه القائم فی الأنام

ویژگی چهلم: سلطنت سلطان عصرعلیه السلام، شهر و دیار او

سلطنت سلطان عصر، شهر و دیار او

حضرت امیرالمؤمنین

علیه السلام:

«یمْلِكُ ما بَینَ الْخافِقَینِ اَربَعینَ عاماً.»(۱)

«بین مشرق تا مغرب را چهل سال مالك شود.»

روایات در باب توسعه دائره حکومت آن شاهباز عدالت و حق خواهی از جهت زمان، متعدد و متفاوت است.

در بعضی از روایات مدّت آن هفت سال از سال های آن عصر که به شمار سال های شما هفتاد سال می شود، تعبیر شده و در بعضی چهل سال(۲)و در بعضی فرموده اند: «حکومت او تا دامنه قیام قیامت امتداد می یابد.»(۳)

و در برخی دیگر کوتاه ترین مدّت را هفت و بالاترین را نه سال شمرده اند.

اما در زمان غیبت جایگاه حضرتش برای مردمان معلوم و مشخص نیست و جز خادمین و ملازمین رکاب آن حضرت از مأوی او بی خبرند(۴)، و در بعضی نقل ها محل سکونت یاوران و خاندان آن همای سعادت، در جزائر خضراء و جایگاه خود آن حضرت را مناطق دور از دست خلائق نام برده شد(۵).

۱ منتخب الأثر ص ۴۷۸.

۲ منتخب الاثر ص ۱۴۳ و ۴۸۷.

۳ منتخب الاثر ص ۲۹۶.

۴ بحارالانوار ج ۵۲ ص ۱۵۵ حدیث۱۱.

۵ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۱۵۹. «إنّ أبی صلّی الله علیه، عهد إلی ان لاـ اُوطّن من الأرض إلاّ أخفاها و أقصاها، اسراراً لأمری و تحصیناً لمحلّی من مکائد أهل الضلال» بحارالانوار ج ۵۲ ص ۳۴.

*****

[صفحه ۱۰۰]

اما زمانی که بر سریر حکومت تکیه زند و بارگاه امامتش برپا گردد، از روایات چنین بر می آید که خانه خویش را مسجد سهله در شهر کوفه(۱) و مقر حکومت و خلافت خود را مسجد مقدس کوفه قرار می دهد(۲).

همان مسجدی که از آن زمان که بانك اذان امیرالمؤمنین

علیه السلام به شمشیر زهر آگین کفر و الحاد در فضای آن خاموش شد، صدای ناله اش چون ستون حنّانه در فراق امیر عالم از بند بند خشت ها و گل هایش به گوش جان می رسد. تا زمانی که انشاء الله دست مبارک زاده حیدر کرار در آغوشش بگیرد تا از حنین ناله خویش باز نشیند.

و از پاره ای از روایات چنان استفاده می شود که حکومت آن حضرت تا زمان رجعت ائمه هُدی علیهم السلام به طول می انجامد(۳)، و سپس دوازده پیشوای هدایت شده هدایت گر بعد از او خواهند آمد.(۴)

آری شاخسار درخت پر بار حکومتش بر تمام گیتی سایه می افکند و پرچم عدالت او بر فراز بام دنیا به اهتزاز در می آید، و عدالت علوی اش تمام مشرق و مغرب عالم را پر خواهد ساخت، و جایی از پهنه گیتی از دائره سلطنت آن پادشاه هستی خارج نخواهد بود، وجب به وجب خاک زمین از این که در زیر پای آن حضرت و یاوران سعادتمندشان باشد، به خویش می بالد و فخر می فروشد.

«اَللّهُمَّ اِنّا نَرْغَبُ اِلَیکَ فی دَوْلَه کَریمَه، تُعِزُّ بِهَا الْاِسْلامَ وَ اَهْلَهُ

وَ تُذِلُّ بِهَا النِّفاقَ وَ اَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنا فیها مِنَ الدُّعاهِ اِلی طاعَتِکْ

وَ الْقادَهِ اِلی سَبیلِکَ وَ تَرْزُقُنا بِها کَرامَهَ الدُّنْیا وَ الْاخِرَهِ»

۱ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۳۱ حدیث ۵۴.

۲ بحار الانوار ج ۵۲ ص ۳۷۶.

۳ منتهی الآمال: ج۲ فصل دوّم جمله ای از خصایص حضرت صاحب الزمان خصیصه۴۶ ص ۷۷۱.

۴ «یکون بعد القائم اثنی عشر مهدیاً» بحارالانوار ج ۵۳ ص ۱۴۵.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِى الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
WWW
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹